

Studying the Understanding and Perception of Young People About the Feeling of Social Rejection and Celibacy

Marziyeh Shahryari *

Assistant Professor of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Karim Reza doost

Associate Professor of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

1. Introduction

The purpose of this research is to identify and analyze the structural relationships of the contexts, consequences and how to face celibacy through the perception and subjective meaning of people who are involved in this process.

Research Question(s)

What is the life experience of young people who did not get married at the ideal age, in the face of this delay? What concepts are these people's understanding and interpretation of their celibacy formed around?

2. Literature Review

Maharaj and Shangazl (2020) investigated "the reasons for women choosing to be single, delaying and not marrying, the thoughts of educated women in South Africa" and found that African women, with the rise in the economic level of life, the rise in social class and the growth of educational levels, they think less about marriage and choose a single life.

Gist (2017) in research he conducted on samples of young people in America and Europe concluded that the age of marriage in Europe and America is changing and increasing; Also, the economic factor and gender equality cause young people to be celibate.

In another study, Apostolo (2017) pursued the goal of "why people do not always look for marriage and a spouse and often choose to stay alone and single for at least a while". The results of the research showed that the age, gender of people and their social and psychological personality have a relationship with young people staying single.

3. Methodology

In this research, some theories consistent with the topic of this research, centered on the theories of Bourdieu, Giddens, Silver and Goffman, who have a constructivist view of identity, have been used. The research method is mixed (exploratory-sequential design type). The statistical population of this research included two qualitative and quantitative parts. In the qualitative part, in-depth and semi-structured interviews were conducted with 21 young single people living in Ahvaz city who were selected by snowball

* Corresponding Author: m.shahryari@scu.ac.ir

How to Cite: Shahryari, Marziyeh; Reza doost, Karim. (2022). study of young people's perceptions and perceptions of feelings of social exclusion and abstraction, Journal of Social Work Research, 9 (33). 1-39.

sampling. In the quantitative part, the statistical population of this research was 345 unmarried girls and boys over 30 years old. Data collection was done by questionnaire method and random sampling method.

4. Results

In this study, the most important factors affecting the feeling of rejection and isolation from the perspective of the activists were identified, which are: distorted identity, poor conditions, evasion of responsibility, not knowing the necessity of marriage, objects of humiliation (shame), requirements for camouflage, seeing other people's bitter memories, institutionalized signs, lost fantasy, lack of infrastructure, fluidity of relationships, support of families and irresponsible upbringing, active activism of the subject in rethinking the body and Commodification of marriage.

5. Discussion

According to the interviewees, poor conditions have the greatest effect on the feeling of social exclusion and it is consistent with the research history. In other words, because of their natural, social and instinctive characteristics, people want to form a family and enjoy life with their spouse, this is not to say that our young people do not want to get married. But when we look at the economic and social conditions of the society, we understand why they avoid marriage and the concern about the increase of lonely and depressed people and the void of effective laws is more understandable.

6. Conclusion

In today's society, marriage is considered the most important component of social empowerment, and people who do not follow this norm are strongly rejected by the informal institutions of society. In this research, using the creative imagination technique of phenomenology, the results of the interviews in relation to the platforms are divided into a general classification:

- Macro contexts includes social, cultural and economic factors that create the basis for celibacy and the perception of social isolation. In the current research, the sub-substrates of the lack of infrastructure and passive agency, accepted signs, camouflage requirements and social changes were placed within the macro-substrates.
- Intermediate platforms: the meaning of this platform is the factors that interact with each other and have a stronger role than other platforms because they interact with other platforms and play an intermediary role for the creation of other platforms and are created by the interaction of social and individual factors. The sub-categories of "Unsightly conditions, seeing other people's bitter memories, stereotyped beliefs and opinions (objects of humiliation), distorted identity, avoidance of responsibility, commodification of marriage, activism of the subject in rethinking the active body" are included in this context.
- Micro-substrates: The micro-substrates are the factors related to the person or the individual, which are the basis of celibacy and the perception of social rejection, and in the sub-theme of lost fantasy, fluidity of relationships, not knowing marriage was a requirement.


Acknowledgments


The researchers hereby express their gratitude to all the participants in this research.

Keywords: Youth, Celibacy, Feeling of Social Exclusion, Distorted Identity, Institutionalized Signs



مطالعه درک و تصور جوانان از احساس طرد اجتماعی و تجرد گزینی

مرضیه شهریاری*  استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

کریم رضادوست  دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تحلیل روابط ساختاری زمینه‌ها، پیامدها و نحوه مواجهه با تجرد از طریق ادراک و معنای ذهنی افرادی است که درگیر این فرایند شده‌اند. در این پژوهش برخی از نظریه‌های همخوان با موضوع این تحقیق، با محوریت نظریات بوردیو، گیدنز، سیلور و گافمن که نگاهی برساخت‌گرایانه به هویت دارند استفاده شده است. روش تحقیق، آمیخته (از نوع طرح اکتشافی- متوالی) است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی بود. در بخش کیفی با ۲۱ جوان مجرد ساکن شهر اهواز که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده بودند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد. در بخش کمی، جامعه آماری این پژوهش ۳۴۵ دختران و پسران مجرد بالای ۳۰ سال بوده است. گردآوری داده‌ها با روش پرسشنامه و شیوه نمونه‌گیری تصادفی انجام گرفته است. در این مطالعه، مهم‌ترین بسترهای مؤثر بر احساس طرد و تجرد گزینی از دید کنشگران شناسایی شد که عبارت‌اند از: هویت مخدوش، شرایط کژقواره، مسئولیت‌گریزی، الزامی ندانستن امر ازدواج، ابژه‌های حقارت (داغ‌ننگ)، الزام‌های استتار، دیدن خاطرات تلخ دیگران، دال‌های نهادینه‌شده، فانتزی از دست رفته، مهیا نبودن زیرساخت‌ها، سیالیت روابط، حمایت خانواده‌ها و تربیت غیرمسئولانه، کنشگری فعال سوژه در بازاندیشی بدن و کالایی شدن ازدواج. در نهایت نتایج این تحقیق نشان دادند که، هویت مخدوش مهم‌ترین عامل در احساس طرد اجتماعی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جوانان، تجرد گزینی، احساس طرد اجتماعی، هویت مخدوش، دال‌های نهادینه‌شده

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج به عنوان هنجاری پذیرفته شده در همه کشورهای دنیا محسوب می شود. از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بی توجهی به ازدواج امری ناپسند شمرده می شود؛ زیرا بقا خانواده وابسته به استمرار ازدواج است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹). اگرچه ازدواج عملی ارادی و تابع خواسته و تمایلات فردی است، با این حال تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و سیاستی قرار دارد (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۳). بنا بر آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، بیشترین ازدواج های ثبت شده بر حسب سن زنان هنگام ازدواج و در سال ۹۸ نیز به گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال با ۲۴۰ هزار و ۷۴۵ رویداد ازدواج معطوف می شود که همانند مردان این آمار برای ۹ ماهه نخست سال ۹۸ و ۹۹ نیز به همین گروه سنی در بین زنان تعلق دارد. در مورد آمار طلاق نیز، بیشترین طلاق های ثبت شده بر حسب سن مردان هنگام طلاق طی سال ۹۸ با تعداد ۷۶ هزار و ۶۸۰ رویداد به گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال تعلق دارد که این آمار در ۹ ماهه نخست سال ۹۸ و ۹۹ نیز به همین گروه سنی در بین مردان معطوف می شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

ورود نوسازی و گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن منجر به تغییرات ارزشی، اهمیت فردگرایی و انتخاب های آزادانه شده است که سبب شده جوانان مجرد گزینی را به عنوان پاسخی به ناکارآمدی موجود در ساختار انتخاب کنند. در واقع افزایش بیش از حد سن ازدواج باعث سرخوردگی های عاطفی و روانی در فرد شده که حتی افزایش توانمندی ها نیز نمی تواند درمانگر این سرخوردگی ها و احساس انزوای اجتماعی باشد (کاظمی پور، ۱۳۳: ۱۰۵).

طرد اجتماعی زمانی رخ می دهد که افراد در تعاملات اجتماعی منزوی، نادیده گرفته شوند یا طرد شوند (Williams, 2005) طرد اجتماعی منعکس کننده ناهماهنگی بین فردی است. طرد اجتماعی که از لحاظ مفهومی مخالف شمول اجتماعی است، پدیده طرد شدن افراد توسط گروه های اجتماعی یا افراد دیگر در تعاملات اجتماعی را به تصویر می کشد، به طوری که نمی تواند روابط اجتماعی ایجاد کنند و نیازهای تعلق خود را ارضاء نمایند

(Macdonald, 2005: 202) این رد نمودن می تواند در حوزه های مختلف (به عنوان مثال، کار در مقابل روابط خصوصی)، در میان گروه های مختلف (به عنوان مثال، اکثریت در مقابل گروه های اقلیت)، و به اشکال مختلف (به عنوان مثال، صریح در مقابل ضمنی) وجود داشته باشد. طرد اجتماعی که در شرایط مختلف رخ می دهد پیام یکسانی را منتقل می کند: قربانی مورد علاقه، مخالفت، منفور یا حتی منفور است. پذیرش این اطلاعات برای قربانی ممکن است دشوار باشد و ممکن است برای افرادی که از نظر اجتماعی طرد شده اند، تجربیات دردناکی ایجاد کند (Chen, 2018: 188).

طرد اجتماعی از نظر ارتباط بین فردی پیامدهای شناختی، عاطفی و رفتاری ایجاد می کند. در شناخت، افراد ارزیابی های بین فردی منفی از کسانی انجام می دهند که رفتارهای طرد اجتماعی را انجام می دهند و به طور مثبت از کسانی که ممکن است به منابع ارتباطی آنها کمک کنند، ارزیابی می کنند، که منعکس کننده انگیزه ای برای ارتباط مجدد بین فردی است. از نظر عاطفی، طرد اجتماعی با عواطف منفی مانند تنهایی، حسادت، اضطراب یا افسردگی همراه است (Maner, 2007: 42).

در واقع، یک مطالعه پیگیری سه ساله در میان گروهی از جوانان این نتیجه را تأیید کرد که طرد اجتماعی باعث افسردگی می شود. واکنش های عاطفی دیگری مانند غم، اندوه و عصبانیت نیز مشاهده شد. از نظر رفتار، طرد اجتماعی ممکن است توانایی خود تنظیمی افراد را تضعیف کند (Baumeister, 2005: 589) و رفتار پرخاشگرانه و حملات قربانی را برانگیزد، به ویژه نسبت به کسانی که قربانی را طرد می کنند این یافته ها دلالت بر تنش ذهنی در تعاملات اجتماعی افراد طرد شده اجتماعی دارد.

طرد اجتماعی باعث کاهش عزت نفس، افسردگی، غم و تنهایی و افزایش نیاز به تعلق می شود، در حالی که تعلق، امنیت- و نشاط را به همراه دارد (Buckley, 2004; Maner, 2007; Leary, 1990) و به عنوان یکی از روش های ادامه هنجارهای اجتماعی و از شاخص های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می شود. اگر این گام در زمان مناسب و به شکل صحیح برداشته شود،

کارکردهای مناسب آن در طول زندگی مشترک مشخص می‌شود. اما طولانی شدن مدت مجرد در میان جوانان می‌تواند آسیب‌های روانی و اجتماعی خطرناکی به دنبال داشته باشد. انزوای اجتماعی یک ساختار چندبعدی است که می‌تواند به عنوان کمیت و/یا کیفیت ناکافی تعاملات با افراد دیگر، از جمله تعاملاتی که در سطح فردی، گروهی و/یا جامعه رخ می‌دهد، تعریف شود (نیکلسون^۱، ۲۰۱۲؛ اسمیت و لیم^۲، ۲۰۲۰؛ امبرسون و کاراس مونتر^۳، ۲۰۱۰؛ زوالتا^۴ و همکاران، ۲۰۱۷).

طبق تحقیقات انجام شده در آمریکا، به رغم اینکه از هر ۱۰ زن، ۹ نفر آنها به ازدواج تمایل دارند، اما نوع ازدواج موردنظر آنها با آنچه در گذشته وجود داشت بسیار متفاوت است. یافتن شغل و حفظ آن مهم‌ترین عنصری است که روی تصمیم‌گیری آنها در ازدواج اثرگذار است. به عبارت دیگر، آنچه عامل تعیین‌کننده ازدواج یا مجرد برای جوانان است حفظ استقلال و پیشرفت و ارتقای حرفه‌ای است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱۹).

به عبارتی وقتی دختری در آستانه ۳۰ سالگی است یا ۳۰ سالگی را رد می‌کند اما به دلایل مختلف همچنان مجرد مانده چگونه با این دوران برخورد کند؟ چگونه با حس‌های آزاردهنده‌ای چون «جذاب نبودن» یا «بی‌ارزشی» مواجه شود؟ این دریافته‌ها به خصوص برای دختران از اهمیت بالایی برخوردار است. اگرچه دوره مجرد برای پسران هم ممکن است همراه با فشارهای روانی و ذهنی باشد اما به دلایل مختلف این فشار برای دختران بسیار بیشتر است چون آن‌ها این حس را نزد خوددارند که قرار است انتخاب شوند و سرنخ داستان دست خودشان نیست یا نگاه جامعه نسبت به مجرد دختران منفی‌تر از پسران است و همین تفاوت‌ها فشار این دوره را بر روی دختران بیشتر می‌کند.

-
1. Nicholson
 2. Smith & Lymm
 3. Ambersons & Carassius
 4. Zvalta

با استناد به آمارهای گزارش شده ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در ایران در سن ازدواج قرار دارند، اما مجردند. این ارقام در حالی اعلام می‌شود که مسئولان از رشد ۳,۴ درصدی طلاق در سال ۹۲ و ورود اعضای دیگری به جمع مجردان خبر می‌دهند. به عبارتی سال‌های منتهی به ۳۰ سالگی نشانه‌های اختلال سازگاری در خانم‌های ایرانی پیدا می‌شود که نه تنها به خاطر تمایل خود به ازدواج بلکه به خاطر فشارهای آشکار یا ناآشکار خانواده، دوستان و جامعه دچار آسیب‌هایی می‌شوند و به مرور علائم افسردگی و اضطراب را بروز می‌دهند. به نوعی مجرد گزینی می‌تواند طی فرایندی روانی اجتماعی، به انزوای شخص از جامعه و ابتلا به انواع بیماری‌های روحی منجر شود. از میان سازوکارهایی که مجرد را به انزوا مربوط می‌کند؛ می‌توان به تصور خانواده و خویشاوندان، تصورات عرفی جامعه، خاستگاه اجتماعی طبقاتی فرد در جامعه، تصور فرد از اهمیت ازدواج و تصور فرد از خود که هر یک به گونه‌ای فرد را به کناره‌گیری از جامعه می‌کشاند این نشانه‌ها معمولاً به شکل ترس از آینده و نگرانی در برابر آینده، مشکلات خواب یا ارزیابی بدبینانه نسبت به دورنمای زندگی دیده می‌شود.

پژوهشگران در مطالعه‌ای به بررسی «زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی- فرهنگی» پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از انزوای از نوع گسیختگی همبستگی‌های جمعی و جذابیت جهان فردگرایانه می‌باشد و سبک زندگی زیست مجردی، زنگ خطر را در روابط سرد اجتماعی، تشکیل خانواده، ناشناختگی، انزوا و بیداد فردگرایی به صدا درآورده است. این اشاعه ماجراجویانه فرهنگ مدرن در میان جوانان و اروتیک سازی علایق آنان، کاملاً مسئله آفرین می‌باشد (زارع و همکاران، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

در مطالعه فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۵)، «بررسی وضعیت طرد اجتماعی زنان روستایی» بررسی شد و یافته‌ها نشان داد که زنان روستایی گاه به صورت اجباری و گاه به صورت خودخواسته از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و حضور در جامعه طرد گشته‌اند. فقر

درآمدی، طلاق، رفتارهای انحرافی (دزدی)، مجرد در سنین بالا موجب طرد اجباری زنان روستایی گردیده و بیماری و معلولیت، کمرویی و خودسوزی زنان را به صورت خودخواسته با پدیده طرد اجتماعی مواجه کرده است.

در مطالعه سفیری و همکاران (۱۳۹۴) «بررسی مجرد و هویت با استفاده از نظریه زمینه‌ای» نتایج تحقیق حاکی از آن است دختران بالای ۳۵ سال تلاش در تعریف هویت مستقل اجتماعی و فردی خود داشتند. آن‌ها با وجود امکان تحصیل و اشتغال توانسته‌اند به تعریف جدیدی از هویت خود جدای از هویت زن وابسته به خانواده و همسر برسند. در این میان اما هنوز فشار هویت سنتی بر این دختران وجود دارد. جامعه و خانواده هنوز اهمیت زیادی برای ازدواج قائل‌اند و از دختران می‌خواهند که به مجرد خود خاتمه داده و ازدواج کنند. گرچه دختران نیز نقش‌های سنتی را کامل کنار نگذاشته و تمایل به ازدواج دارند. در کل دختران در تعریف و ساخت هویت خود در تعارض بین هویت سنتی و هویت مدرن هستند.

ماهاراج و شانگاز^۱ (۲۰۲۰) «دلایل زنان در انتخاب مجرد زیستی را، تأخیر و عدم ازدواج، اندیشه زنان تحصیل کرده در آفریقای جنوبی» را بررسی کرده و دریافته‌اند که زنان آفریقایی با بالا رفتن سطح اقتصادی زندگی، بالا رفتن طبقه اجتماعی و رشد مقاطع تحصیلی، کمتر به ازدواج فکر کرده و زندگی مجردی را انتخاب می‌کنند.

گیست^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی که روی نمونه‌هایی از جوانان در آمریکا و اروپا انجام داده است به این نتیجه رسید که در مجموع سن ازدواج در اروپا و آمریکا در حال تغییر و در حال افزایش است؛ همچنین عامل اقتصادی و برابری جنسیتی باعث تمایل جوانان به مجرد زیستی می‌شود.

1. Maharaj & Shangase
2. gist

آپوستولو^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی دیگر این هدف را دنبال می‌کرد که «چرا مردم همیشه همیشه به دنبال ازدواج و همسر نیستند و اغلب حداقل برای مدتی تنها ماندن و مجردی را انتخاب می‌کنند». نتایج پژوهش نشان داد، که سن، جنسیت افراد و شخصیت اجتماعی و روانی آنان با مجرد ماندن جوانان رابطه دارد.

مطالعه کیفی هیل^۲ (۲۰۲۰) در بین دانشجویان دختر مجرد در مقطع دکتری، نشانگر اهمیت تحصیل برای آنان و تناقض انتخاب بین ادامه تحصیل و تأهل است.

آپوستولو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «بهای مجرد بودن: تأثیر غیرارادی مجرد بر احساسات و رضایت از زندگی» به تأثیرات مجرد جوانان بر زندگی آنان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، که نیمی از جوانان در جوامع غربی به صورت مجردی زندگی می‌کنند و از این تعداد تقریباً نصف جمعیت آنان به دنبال شریک صمیمی برای زندگی هستند، ولی در این امر موفق نمی‌باشند.

پاچمن^۳ و همکاران (۲۰۱۳)، نیز در پژوهشی با عنوان «زمان و شیوع ازدواج و تشکیل خانواده» تولد فرزندان را شاخص‌های ادغام اجتماعی مهاجران در آنور و استکهلم در نظر گرفتند و فرض کردند اشخاصی که قادر به یافتن همسر، ازدواج، تشکیل خانواده و داشتن فرزند نیستند، به لحاظ اجتماعی مطرودند.

در مطالعه هایتی^۴ و همکاران (۲۰۱۱) با عنوان «طرد اجتماعی و فرهنگ: نقش هنجارها گروهی، هویت گروهی و انصاف» در بین نوجوانان «دیدگاه نوجوانان در مورد طرد و محرومیت در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته شده است. همچنین عوامل مؤثر در مشروعیت یا طرد افراد خارج از گروه همسالان مورد بررسی قرار گرفته است. در کنار عوامل فرهنگی مؤثر بر طرد نوجوانان به عوامل دیگری مانند جنسیت، نژاد، قومیت نیز باید توجه داشت.

-
1. Apostolo
 2. Hill
 3. Pushmana
 4. Haiti

در مطالعه والنزولوا^۱ (۲۰۰۹) «آیا سرمایه اجتماعی در یک سایت شبکه اجتماعی وجود دارد؟ استفاده از فیس‌بوک و رضایت از زندگی دانشجویان» مشخص شد که محتوای خود افشاگری در شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک می‌تواند دربرگیرنده افکار، آمل، خواسته و حسرت‌ها یا ناکامی‌ها و شکست‌ها و تجارب زندگی افراد باشد.

در مطالعات دیاز^۲ و همکاران (۲۰۱۱) «مقدمه‌ای بر فراگیر بودن موبایل در فضاهای عمومی و خصوصی» کاربران در بیش‌تر موارد سعی دارند اطلاعات خود را با دیگران در میان بگذارند چرا که معتقد هستند این امر موجب افزایش روابط صمیمانه و بالا رفتن اعتماد میان دوستان می‌شود.

مرور مطالعات انجام شده در این زمینه، تفاوت‌های شخصیتی (به عنوان مثال برون‌گرایی)، مهارت‌های اجتماعی (به عنوان مثال، همدلی، اضطراب اجتماعی)، جمعیت‌شناسی (به‌عنوان‌مثال، سن)، منابع (به‌عنوان‌مثال، زمان، پول، در دسترس بودن وسایل نقلیه)، تحرک جسمانی، را مورد بررسی قرار داده است. شواهد برخی از این عوامل کاملاً ثابت شده است، اما برای برخی دیگر ناسازگار است.

واضح است که ازدواج یا زندگی مشترک در برابر تنهایی محافظت می‌کند. با این حال، اثرات مستقل سن، جنسیت و فرهنگ نامشخص است. کاوش در مورد چگونگی این تفاوت‌های فردی برای پیش‌بینی تنهایی در ادبیات تحقیق وجود ندارد و اکثر مطالعات بر اساس نمونه‌های بسیار کوچک انجام شده‌اند که قدرت تجزیه و تحلیل را محدود کرده و نتایج نامعتبری را ارائه می‌دهند.

همچنین فقدان تنوع در نمونه‌ها مانع از بررسی تعاملات مهم بین عوامل جمعیت شناختی می‌شود و در مواردی که تفاوت‌های فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است، مقایسه تعداد محدودی از فرهنگ‌ها انجام می‌شود. درحالی‌که وضعیت ایران در بحث تجرد زیستی با کشورهای غربی و اروپایی که جدایی و استقلال نوجوانان از ۱۸ سالگی امری پذیرفته شده است متفاوت است.

1. Valenzuela
2. Diaz

پژوهش حاضر با لحاظ نمودن این مسئله که بحران‌های ناشی از مجرد طولانی مدت، تنها محدود به کشور ما نمی‌شود و در همه جوامع به اندازه‌های متفاوتی دیده می‌شود. هدف مطالعه حاضر فهم تجربه زیسته دختران مجرد و درک معنایی که آن‌ها از رفتار خود داشته، می‌باشد. بر همین اساس سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از؛ تجربه زیسته جوانانی که در سن مطلوب ازدواج نکرده‌اند، در مواجهه با این تأخیر چگونه است؟ درک و تفسیر این افراد از تجردشان حول چه مفاهیمی شکل گرفته است؟

ملاحظات مفهومی

مروری کوتاه بر پیشینه نظری مسئله پژوهش موجب حساس شدن نسبت به نکات برجسته میدان خواهد شد. در مطالعه حاضر برخی از نظریه‌های همخوان با موضوع این تحقیق، با محوریت نظریات بوردیو^۱، گیدنز^۲، سیلور و گافمن که نگاهی برساخت‌گرایانه به هویت دارد و آن را حاصل تعامل فرد و جامعه در خلال روابط بین شخصی می‌داند، درصدد رسوب به دنیای تعاملات روزمره دختران مجرد بالای ۳۰ سال و تعریف آنها از وضعیتشان است.

تکامل مفهومی طرد اجتماعی را می‌توان در تعدادی از سنت‌های نظری ردیابی کرد (Silver, 1994)، که اولین آنها به ریشه‌های معنایی این مفهوم در جامعه‌شناسی فرانسوی مربوط می‌شود. این دیدگاه بر ماهیت پویا و فرآیندی طرد در ابعاد رابطه‌ای، نمادین و اقتصادی تأکید دارد (De Haan, 1998). یک اصل کلیدی در اینجا به لفاظی جمهوری خواهان فرانسه پیرامون گفتمان یکپارچگی اخلاقی «همبستگی»، «قرارداد اجتماعی» مربوط می‌شود (Silver, 1995). نگرانی برای تضعیف یا گسست پیوند اجتماعی بیان می‌شود که خطراتی را برای فرد از نظر «مبادله مادی و نمادین با جامعه بزرگ‌تر» ایجاد می‌کند.

سیلور (۱۹۹۴) به این سنت در شکل معاصرش به عنوان پارادایم همبستگی اشاره می‌کند. در مقابل، مفهوم طرد اجتماعی در سنت آنگلو ساکسون از سیاست اجتماعی

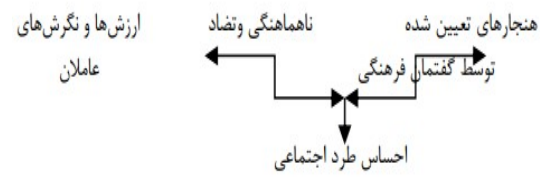
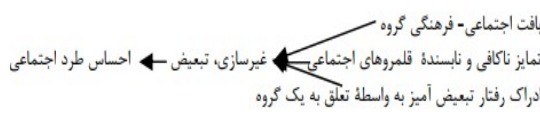
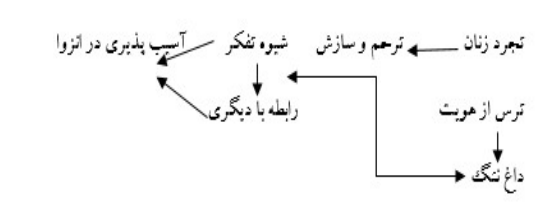
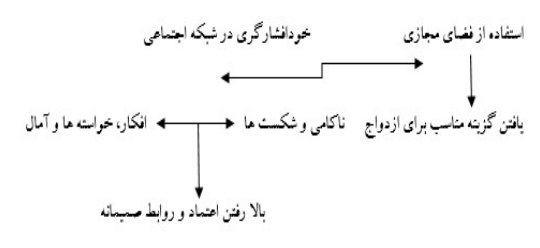
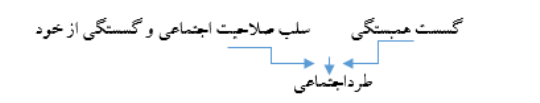
1. Bourdieu
2. Giddens

انتقادی و بحث‌های مربوط به آسیب‌ها پدید آمد. کار تاونسند^۱ در پیکربندی مجدد دیدگاه‌های فقر بر ایجاد یک گفتمان جامع‌تر در مورد محرومیت تأثیر گذاشت که با اصول سوسیال دموکراتیک و ایده‌های «طبقه فرودست» تأکید شده بود. دیدگاه آنگلو ساکسون بر حرکت به سمت در نظر گرفتن حقوق شهروندی، توانایی مشارکت کامل در جامعه، و عدم تعادل قدرت ناشی از ساختارهای سلسله مراتبی اجباری اجتماعی تأکید داشت (Walsh, 2017: 130). سیلور (۱۹۹۴) این سنت را پارادایم انحصار می‌داند.

سیلور (۱۹۹۴) همچنین به مدل سوم، پارادایم تخصصی اشاره می‌کند که در گفتمان‌های ایالات متحده و بریتانیا تأثیرگذار بود. در این پارادایم، ایدئولوژی‌های لیبرال بر مفاهیم مبادله قراردادی و داوطلبانه حقوق و تعهدات تأکید می‌کنند، جایی که تفاوت‌های فردی موجب تخصص در حوزه‌های رقابتی می‌شود که بازار و گروه‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. طرد به عنوان محصول تبعیض، عدم اجرای دولت لیبرال یا اجرای نامناسب حقوق، موانع حرکت/ مبادله بین حوزه‌ها و شکست بازار تلقی می‌شود (De Haan, 1998). صرف نظر از منشأ متفاوت آن، طرد اجتماعی با حداقل چهار ویژگی مشترک مشخص می‌شود. اولاً، این یک مفهوم نسبی است. ثانیاً، طرد شامل عاملیت است، جایی که یک عمل طرد شده ضمنی است (Atkinson, 1998). این ممکن است مستلزم این باشد که افراد برخلاف میل خود طرد شوند، فاقد عاملیت برای دستیابی به یکپارچگی برای خود باشند، یا انتخاب کنند که خود را از جامعه اصلی کنار بگذارند. ثالثاً، طرد شدن پویا یا فرآیندی است و افراد و گروه‌ها از طرد و حذف خارج می‌شوند و اشکال مختلفی از طرد را در طول زمان تجربه می‌کنند (Scharf, 2015). چهارم، اکثر تعاریف چندبعدی بودن طرد را تصدیق می‌کنند (Béland 2007; Billette and Lavoie 2010; Levitas et al. 2007; Scharf and Keating 2012). بسیاری از تعاریف موجود ویژگی‌های نسبت، عاملیت، پویایی و چندبعدی بودن را منعکس می‌کنند.

1. Townsend

جدول ۱- نموداری از استنباطات مفهومی

طرد اجتماعی و تجرد گزینی	متغیر وابسته	
مفاهیم اصلی	نظریه‌ها	متغیرهای مستقل
<p>ارزش‌ها و نگرش‌های عاملان</p> 	<p>تئوری نمادگرایی / رویکرد فرهنگی بوردیو</p>	<p>باورهای قومی و سنتی</p>
<p>احساس طرد اجتماعی</p> 	<p>سیلور / گیدنز</p>	<p>ارزش‌های مردسالارانه</p>
<p>آسیب پذیری در انزوا</p> 	<p>گیلگیان نمادپردازی</p>	<p>احساس تنهایی</p>
<p>خود اظهاری</p> 	<p>التزئولا / گیدنز</p>	<p>خود اظهاری</p>
<p>طرد اجتماعی</p> 	<p>امیل دورکیم</p>	<p>حمایت اجتماعی</p>

روش‌شناسی

در این پژوهش از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. روش تحقیق، آمیخته از نوع متوالی-اکتشافی است. پژوهش در دو مرحله اجرا شد؛ فاز اول به روش کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی بوده که فنون آن مصاحبه و مستند کاوی است و به تبیین پدیده تجرد و احساس طرد اجتماعی می‌پردازد. در پژوهش حاضر پژوهشگر به شناسایی مؤلفه‌های سازنده احساس طرد اجتماعی (با تأکید بر تجربه دختران و پسرانی که در سن ازدواج هستند اما تجرد گزینی را انتخاب نموده‌اند) پرداخته است در این مرحله از بین تمامی مجردین، افرادی به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی برای مصاحبه‌های کیفی انتخاب شده است. همچنین، از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای کلایزی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا متن مصاحبه پیاده‌سازی و سپس مفاهیم و مضامین موجود در آنها کدگذاری و استخراج شد. پژوهشگران از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده کردند.

روش کلایزی دارای ۷ مرحله است که شامل: (۱) تمامی توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان که مرسوم به پروتکل است به منظور به دست آوردن احساس و مانوس شدن با آنها از سوی پژوهشگران خوانده شد، (۲) جملات مهم استخراج شد، (۳) سعی شد تا به معنای هریک از جملات پی برده شود و به فرموله کردن معانی پرداخته شد، (۴) مراحل فوق برای هر پروتکل تکرار شدند و معانی فرموله شده و مرتبط با هم در خوشه‌های متعدد مورد توجه قرار گرفتند که محقق نباید از این داده‌های به ظاهر نامناسب چشم‌پوشی کند، (۵) سپس تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامع در مورد پژوهش انجام شد، (۶) توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه به صورت یک بیانیه صریح و روشن از ساختار اساسی پدیده مورد مطالعه به منزله «ساختار ذاتی پدیده» به دست آمد، (۷) با مراجعه مجدد به هریک از شرکت‌کنندگان و انجام مصاحبه‌ای منفرد و یا انجام جلسات متعدد مصاحبه، نظر شرکت‌کنندگان درباره یافته‌ها پرسیده شد و

نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها اقدام گردید. در نهایت ۱۲ تم اصلی و ۲۱۵ تم فرعی استخراج گردیده است.

در فاز دوم (کمی) بر اساس داده‌های به دست آمده در فاز کیفی پژوهش، پرسشنامه عوامل مؤثر بر احساس طرد اجتماعی طراحی شد. جامعه آماری شامل دختران و پسران مجرد بالای ۳۰ سال شهر اهواز است. در مرحله تعیین حجم نمونه، با توجه به اینکه تحقیق حاضر به لحاظ دارا بودن بار ارزشی زیاد و عدم همکاری یا عدم دسترسی به تمامی جمعیت نمونه، امکان استفاده از شیوه تعیین کمی حجم نهایی نمونه را از محقق سلب کرده است.

پس از محاسبه حجم واقعی نمونه با فرمول کوکران، حجم نمونه، طبق فرمول کوکران، تقریباً ۳۵۰ برآورد شد. نهایتاً جهت تعیین حجم نمونه، از میان حجم نمونه کوکران، از شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است؛ به این ترتیب که ابتدا، با مراجعه به ۲۵ نفر اول، از آنها درخواست شد تا ضمن پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه تنظیم شده، افراد واجد شرایط نمونه‌گیری را به ما معرفی کنند و همین طور از افراد معرفی شده هم همین درخواست انجام گرفت تا سرانجام، ۲۵۲ پرسشنامه برای تحلیل نهایی آماده شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. برای سنجش متغیرها از اعتبار محتوایی استفاده شده است.

بدین منظور، گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجد، با استفاده از گویه‌های تحقیقات پیشین، زیر نظر متخصصان، محققان و استادان مجرب تدوین شده است. برای تعیین پایایی ابزار پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج محاسبه این شاخص در زمینه تمامی سنجه‌های به کاررفته نشان داد که پایایی سنجه‌های این پژوهش در حد مطلوبی برآورد شده است.

جدول ۲- مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

سن	جنس	قومیت	شغل	کد پاسخگو	سن	جنس	قومیت	شغل	کد پاسخگو
۳۵	مرد	بختیاری	کشاورز	۱۱	۳۳	مرد	عرب	کارگر مغازه	۱
۳۳	مرد	بختیاری	کشاورز	۱۲	۴۹	زن	بختیاری	بیکار	۲
۴۸	مرد	بختیاری	آزاد	۱۳	۳۴	مرد	بختیاری	سوپرمارکت	۳
۴۹	مرد	بختیاری	دبیر	۱۴	۴۲	زن	بختیاری	بیکار	۴
۳۱	زن	بختیاری	خیاط	۱۵	۳۱	مرد	عرب	آبدارچی	۵
۲۹	زن	بختیاری	کارمند	۱۶	۳۰	زن	بختیاری	ویزیتور	۶
۴۰	زن	بختیاری	خانه‌دار	۱۷	۳۶	زن	عرب	بیکار	۷
۳۲	زن	بختیاری	خانه‌دار	۱۸	۳۵	زن	بختیاری	معلم	۸
۵۵	زن	بختیاری	آرایشگر	۱۹	۳۱	زن	بختیاری	کارگر فروشگاه	۹
۳۳	زن	بختیاری	خانه‌دار	۲۰	۳۸	زن	بختیاری	مربی مهدکودک	۱۰

یافته‌ها

در ذیل به بسترهای اصلی مسائل و تبعات طرد اجتماعی در این پژوهش که شامل ۱۴ مضمون اصلی و ۲۱۵ مضمون فرعی می‌باشد که در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- فرایند موجد تجرد و احساس طرد اجتماعی

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
الزامی ندانستن امر ازدواج	شاغل شدن، کسب درآمد، مشغله درس و تدریس، لذت بردن از مجردی، آزادی روابط، فکر نکردن به ازدواج، بالا بودن هزینه- کمبود فرصت ازدواج، لذت بردن از شرایط کنونی، یادگیری مهارت
ابژه‌های حقارت (داغ ننگ)	سرزنش و ترحم، انگ مشکل داشتن، ترشیده شدن، حرف و حدیث مردم، کنایه زدن به شوخی، تحقیر شدن، سرزنش دیگران، خجالت کشیدن از حرف دیگران، اظهار نظر دیگران، گوشزد کردن فامیل، انگ سن بالا بودن، سنگینی نگاه دیگران، ترحم اقوام، نذر کردن
هویت مخدوش	بی‌کار و بی‌عار بودن، از راه بدر شدن، هم‌نشینی با افراد ناباب، دوگانگی در کنش، بلاتکلیفی هویتی، آوانگارد بودن جوانان، تضاد عقیدتی
شرایط کزقواره	نداشتن یک خانواده خوب، عدم توانایی اداره زندگی مشترک، کم شدن قدرت خرید، نداشتن موقعیت خوب، بالا بودن تعداد مجردین در خانواده، عدم وجود کیس مناسب برای ازدواج، عدم توانایی تهیه جهیزیه، نبود حمایت والدین، نداشتن شرایط روحی، پیدا نکردن شریک فکری، عدم توانایی نیازهای مالی همسر آینده، القاب ناشایست، عدم اعتماد به غریبه‌ها
مسئولیت‌گریزی	عادت به روزمرگی، بچه پروری تا بچه آوری، منجلا ب دیدن مجردی، کاهش جاذبه ازدواج، عیاشی و خوش‌گذرانی
الزام‌های استتار	سنگینی نگاه دیگران، نگرانی و شرم والدین، پنهان‌کاری‌ها، حفظ آبرو کردن، احساس بد نسبت به مجردی، ترس از انگشت‌نما شدن
دیدن خاطرات تلخ دیگران	ندیدن زوج خوشبخت، خیانت‌ها، بی‌اطمینانی‌ها، افزایش طلاق، رنجیدن از هم، همدم‌های دروغین، هوس، آلوده کردن عشق، دوست داشتن‌های دروغین
دل‌های نهادینه شده	مخالفت مادر، حساسیت‌های مسائل مذهبی خانواده، دخالت خانواده‌های طرفین، عدم ازدواج خواهر بزرگ‌تر، عدم اجازه خانواده با فرد موردعلاقه، اختلافات فرهنگی، سخت‌گیری‌های بی‌مورد، زن بگیر خلاص شو، فرار از مشکلات، مراقبت از پدر و مادر
فانتزی از دست رفته	ناکامی در روابط، فوت شدن فرد موردعلاقه، رد کردن عمدی خواستگار، ناکام ماندن در رابطه

مهیا نبودن زیرساخت‌ها	نبود شرایط مالی خوب، نداشتن شرایط لازمه، نبود شغل پردرآمد، نداشتن شرایط اقتصادی، عدم برخورداری از حداقل رفاهیات
سیالیت روابط	آرمان‌گرایی ارزش‌های فرا مادی، غیرعادی نبودن مجردی، تغییر ملاک‌های موفقیت، واگذاری امر تصمیم‌گیری به فرزندان، رؤیاپردازی و نگاه فانتزی به ازدواج، گذراندن فراغت، روابط با جنس مخالف، تنوع خواهی، آزادی از قید سنت، دوست‌یابی در شبکه‌های مجازی
حمایت خانواده‌ها و تربیت غیرمسئولانه	راحت بودن و عدم نظارت بر رفتار، متفاوت شدن دوره زمان، عدم سخت‌گیری پدر و مادر، داشتن اختیار زندگی، وابستگی خانواده
کنشگری فعال سوژه در بازاندیشی بدن	تمایل به روابط با جنس مخالف، توجه به جذابیت‌ها، خانه‌های مجردی، تعقیب آرزوهای شخصی، عشق رمانتیک، خودنمایی‌های بدنی، خود برتری طلبی، تقاضاهای جنسی، آزادی روابط
کالایی شدن ازدواج	توجه به زیبایی فیزیکی، اهمیت دادن به مادیات، مهم بودن رتبه تحصیلی، داشتن موقعیت اقتصادی، سست شدن روابط عاطفی، تغییر ارزش‌ها، فردی شدن ازدواج، نیاز عاطفی، چشم و هم‌چشمی

زمینه‌ها و بسترهای احساس طرد اجتماعی و مجرد گزینی جوانان

دلایل و عوامل پیچیده‌ای در مورد منشأ و بستر شکل‌گیری مجرد و انزوای اجتماعی وجود دارد و نمی‌توان آن عوامل را به راحتی شناسایی کرد و یا در طبقه‌بندی ساده‌ای خلاصه کرد. عوامل شناسایی شده حاکی از اهمیت ارتباطات و مناسباتی است که تحت بسترهای اجتماعی، فرهنگی، روانی و یا اقتصادی نمود می‌یابند. بنا بر تصورات دختران و پسران دلایل مختلفی به عنوان بسترهای مجرد گزینی و احساس طرد اجتماعی مطرح شده است، از نظر آنها، مهم این است که متن اجتماعی به اندازه کافی مشوق احساس انزوای اجتماعی است.

از دید افراد عوامل عمده‌ای که موجب مجرد و احساس انزوای اجتماعی در می‌گردد عبارت‌اند از: الزامی ندانستن امر ازدواج، باورها و عقاید کلیشه‌ای (ابژه‌های حقارت)، هویت مخدوش، شرایط کژقواره، مسئولیت‌گریزی، الزام‌های استتار، دال‌های پذیرفته‌شده،

دیدن خاطرات تلخ دیگران، فانتزی از دست رفته، مهیا نبودن زیرساخت‌ها، سیالیت روابط و حمایت خانواده و تربیت غیرمسئولانه می‌باشد. عوامل فوق در دو دست عوامل فردی و ساختاری، قابل طبقه‌بندی است در ارائه راهکارها و استراتژی‌ها این گونه طبقه‌بندی از اهمیت خاصی برخوردار است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به صورت بسترهای کلان، خرد، فردی و میانی بیان شده است به نوعی ساختار تجربه مشارکت‌کنندگان نشان‌دهنده سیستمی بودن ابعاد تجرد و طرد اجتماعی، چرخشی بودن عوامل تجرد و روابط ساختاری میان بسترهای احساس طرد اجتماعی و تجرد‌گزینی است.

۱. بسترهای کلان

شرایط کژقواره: امروزه ازدواج به لحاظ عاطفی، اخلاقی و روانی و نیز جسمی نیاز جدی انسان است و استعدادهاى مختلف عقلی و عاطفی او در پیمان زناشویی شکوفا شده، همچنین احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی در پرتو تشکیل خانواده در وجود انسان بیدار و رشد می‌یابد. اگر انسان خود را از این مواهب محروم داند در این شرایط کژقواره به هر طریقی از ازدواج سرباز می‌زند.

مشارکت‌کننده (۱۲) تجربه خود را چنین می‌گوید:

"اشتباه است که به خاطر حرف دیگران بخواهی ازدواج کنی با وجود مشکلاتی که در زندگی هست.

مشارکت‌کننده دیگری (۱۵) می‌گوید:

"به چشم دختری که سن ازدواجش رسیده ولی ازدواج نکرده نکند عیب و ایرادی دارد منظور از ایراد (نبود پرده بکارت است)".

مهیا نبودن زیرساخت‌ها و عاملیت منفعل: رفتارها و کنش‌های اجتماعی نیاز به زیرساخت دارد که این زیرساخت‌ها می‌تواند انگیزه‌های فردی و گروهی را دست‌کاری کرده و آن را کم‌وزیاد کند و امروز ازدواج جوانان تحت متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و ارزشی فرهنگی قرار می‌گیرد. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان زیرساخت‌های جامعه

به گونه‌ای است که فرد قادر به تأمین نیازهای مادی نیست خودبه‌خود تمایل به ازدواج و زندگی مشترک در فرد کاهش پیدا می‌کند. کنش و الگوهای جامعه دیدن تعداد طلاق و کاهش آمار ازدواج ناخواسته با دیدن اطرفیانی که ازدواج آنها منجر به طلاق شده یا از زندگی زوجی خود ناراضی هستند آنها را هم در گرایش به ازدواج بی‌توجه می‌کند.

مشارکت‌کننده (۱۸) با بیان تجربه خود در این زمینه می‌گوید:

"من تا به حال خجالت نکشیده‌ام و در بین اطرفیانم شاید تعداد کمی از این بابت خجالت بکشند زیرا که سن خود را معمول و کم می‌دانم و خب به نظرم شرایط بد اقتصادی بی‌تأثیر نیست".

مشارکت‌کننده دیگری (۹) می‌گوید:

"من تلاشم رو برای به دست آوردن پول بیشتر کردم اما نتیجه خوبی حاصل نشد چون هرچقدر پول دربیاری کفاف یک زندگی نرمال رو نمی‌دهد پیامد این وضعیت باعث شد که من بیشتر تلاش کنم گرچه توفیق چندانی حاصل نشد".

دال‌های نهادینه‌شده: کلیشه‌ها و مدل‌های ثابت و از پیش نوشته در ارتباط با ازدواج، نقش‌های جنسیتی خاصی را ایجاد می‌نمایند و منجر به حصر شدن فرد در نگرش‌ها، ترجیحات و رفتارهایی متناسب با جنسیت خود می‌شوند. این کلیشه‌ها از فرهنگ عامه و برخی سوءبرداشت‌ها از درون خانواده ناشی می‌شوند. برداشت‌هایی چون؛ ازدواج به معنای نهاد حمایتی، تقدیرگرایی، نگاه ناموسی به دختران، عدم ابراز احساسات و محدود کردن علایق مردان، چشم و هم‌چشمی‌ها در جامعه، پایبند بودن به رسومات و غیره که سوژه به آنها رجوع می‌کند. طبق نظر کریستوا، متن به معنای بافته‌ای در نظر گرفته می‌شود که کمابیش معنای حقیقت را در خود جای داده است و سوژه در این بافته خود را مضمحل می‌سازد. به عقیده کریستوا متن معنازایی می‌کند و بر روی ما بسته نیست (حیاتی، ۱۳۸۹).

مشکل زمانی است که کلیشه‌ها به اشتباه به عنوان حقیقت در نظر گرفته می‌شوند. و زوج‌ها به این کلیشه‌ها تن می‌دهند و تلاشی برای احیای رابطه جنسی خود نمی‌کنند. این

در حالی است که صرفاً ازدواج کردن رابطه را حفظ نمی‌کند و تصمیمات آگاهانه برای احیای شور و عشق رابطه را ننگه خواهد داشت.

بخشی از تجربه مشارکت‌کننده (۲۰) چنین است:

"به این دلیل که من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که می‌گویند تا خواهر بزرگ‌تر ازدواج نکرده است توهم نباید ازدواج کنی."

مشارکت‌کننده دیگری (۱۸) می‌گوید:

"نبود خواستگار مناسب و مسائل مالی و مذهبی خانواده‌ام که ازدواج باید حتماً سستی باشد، بهم می‌گن برو زن بگیر و خودتو خلاص کن از این منجلابی که درونش قرار داری."

۲. بسترهای خرد

ابژه‌های حقارت (داغ ننگ)^۱: یک برچسب اجتماعی است که مانع پذیرش اجتماعی کامل فرد از سوی دیگران می‌شود (رایت^۲ و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۵). یک ویژگی که شدیداً ننگ‌آور است و باعث می‌شود که شخص حامل آن ویژگی از یک شخص معمولی به یک شخص بی‌اهمیت و ننگ‌دار در جامعه تبدیل شود و به عبارت بهتر از یک وضعیت «نرمال» به یک وضعیت «بدنام» و یا «ننگ‌آور» اجتماعی عبور کند (کلاینمن^۳ و همکاران، ۲۰۱۶: ۴). زنان بیش از مردان از این آنگک دچار عارضه می‌گردند. به عبارتی باورهای منفی نسبت به دختران مجرد که جرمشان گذر از سن ایده‌آل ازدواج از نگاه افراد جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کنند، باورهایی داغ‌زننده که به‌طور بالقوه احتمال بروز کنش‌هایی منفی علیه گروه داغ توسط آنان را هشدار می‌دهد.

مشارکت‌کننده (۱۴) می‌گوید:

"حرف و حدیث‌های زیادی هست که پشت سرم می‌زنند و گاهی پیش آمده که

1. Stigma
2. wright
3. keinman

تهمت هم می‌زنند به همین دلیل از خانواده جدا شدم و تنهایی در شهر دیگری زندگی می‌کنم."

مشارکت‌کننده دیگری (۱۶) تجربه خود را چنین بیان می‌کند:

"برداشت دیگران از مجرد بودن من این است که چون به شخصی علاقه دارم نمی‌توانم به ازدواج با فرد دیگری فکر کنم."

دیدن خاطرات تلخ دیگران: متغیرهای اجتماعی در تمایل نیافتن جوانان به ازدواج مؤثر می‌باشند. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان نوعی کنش‌ها و الگوهای جامعه که منجر می‌شود افراد در جامعه شاهد زیاد بودن تعداد طلاق و کاهش آمار ازدواج باشند، ناخواسته با دیدن اطرفیانی که ازدواج آنها منجر به طلاق شده یا از زندگی زوجی خود ناراضی هستند آنها را هم در گرایش به ازدواج بی‌توجه می‌کند. مشارکت‌کنندگان بسیاری تجارب خویش را در این باره بیان کرده‌اند.

مشارکت‌کننده (۱۲) می‌گوید:

"اول نداشتن کار و زمینه مناسب رشد فکری در خصوص زندگی مشترک و دور و بر ما زوج خوشبخت نمی‌بینم بیشتر عادت به روزمرگی کردن یک اجبار و بعد هم هرکسی رو شریک زندگی که هیچ شریک فکر هم پیدا نکردم."

سیالیت روابط: روابط عاشقانه امروز از ویژگی سیال برخوردار شده و روابط عاشقانه مستحکم جای خود را به پیوندهای ناپایدار و زودگذر داده است. پدیده‌ای که برخاسته از فردیت بخشی بی‌امان انسان در دنیای سیال است. به گونه‌ای که افراد خود را نیازمند به رابطه می‌دانند و از مرتبط بودن همیشگی بی‌امان هستند. روابطی حسابگرانه و شکننده که فضای امن مبتنی بر اعتماد خانواده را تحت تأثیر قرار داده است (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰). در واقع اتمیزه شدن منجر شده، فرد خواسته‌های خود را بدون در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی مدنظر قرار دهد و کنش عقلانی خود را در عدم ازدواج در نظر بگیرد. ۹,۳۴ درصد از جوانان به علت بالا بودن هزینه‌های ازدواج، ۳۰ درصد جوانان به علت نداشتن شغل، ۳,۲۶ درصد از جوانان از ترس ازدواج ناموفق از دلایل تأخیر در ازدواج عنوان نموده‌اند (اعظم کریمی، ۱۴۰۰). بر اساس آمار حوزه رفاه و تعاون گروه اجتماعی با تغییر ذائقه جوانان و

تغییر فرهنگی شتابان برای ازدواج ۳۳ درصد از جوانان حتی با وجود پیدا شدن فرد مناسب و فراهم بودن شرایط اقتصادی تمایلی به ازدواج ندارند.

مشارکت کننده (۲) می گوید:

"الآن همه چی آزاد شده، دیگه چرا خودمون اسیر کنیم؛ من که از مجرد بودنم راضی ام و لذت می برم".

مشارکت کننده دیگری (۳) هم روایتی مشترک دارد. او تجربه خود را چنین بیان می کند:

"الانه دیگه کسی دنبال دختر خوب نیست این قدر همه چیز آزاد و در دسترس شده که دیگه هیچ حرمتی وجود ندارد. وقتی میشه توی این شبکه های مجازی با ده نفر هم زمان قرار گذاشت و همه جوره نیازها تو برطرف کنی دیگه چرا ازدواج کنیم تو این روابطها هیچ نظارتی وجود نداره قشنگ میتونی تنوع طلبی را حس کنی چیزی که نمیتونی با ازدواج به اون دسترسی داشته باشی".

۳. بسترهای فردی

الزامی ندانستن امر ازدواج: در یک ساختار مدرن افراد ترجیح می دهند تا برای چند سال وقت خود را صرف کسب دانش و مهارت نمایند و ازدواج خود را به تعویق بیندازند. آن ها برای اینکه انتخابی آزادانه تر برای ازدواج داشته باشند باید استقلال بیشتری از والدین داشته باشند و به نوعی از نظر شغلی و درآمدی در شرایط باثباتی قرار گیرند. به نوعی بازانندیشی یکی از مفاهیم جامعه مدرن است. افراد به پیامد کنش ها توجه می کنند، دقت دارند، محاسبه و ارزیابی می کنند، گیدنز این فرایند را نظارت باز اندیشانه کنش می نامد و بازانندیشی در زندگی اجتماعی مدرن، دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آنها، اصلاح می شوند. ویژگی مدرنیته، فرض بازانندیشی درباره همه چیز، سنت، عادت، عملکرد و حتی توانایی بازانندیشی کنشگران از ژرفای هویت فردیت است (اینگلهارت، ۱۹۹۷؛ به نقل از خندان و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶).

ساختارهای اقتصادی - اجتماعی به دنبال پذیراندن شرایط و پیامدهای خود بر فرایند زندگی اجتماعی اند؛ اما انسان‌ها نیز همچون فاعلی با اختیار، در کنش و واکنش با شرایط ساختاری، در چارچوب رفتارهای فردی یا گروهی، تا اندازه‌ای دست به گزینش می‌زنند (مرکز تحقیقات زنان و خانواده، ۱۳۹۲: ۲۳).

مشارکت‌کننده (۲۱) چنین روایت می‌کند:

"به هیچ وجه، من از زندگی مجردی خودم لذت می‌برم و هرگاه که بتوانم از عهده یک زندگی مشتری برآیم تصمیم به ازدواج می‌گیرم".

مشارکت‌کننده دیگری (۱۹) می‌گوید:

"تا سن ۲۵ سالگی جدی بهش فکر نکردم بعد از ۲۵ سالگی جدی بهش فکر کردم و تا استقلال نداشته باشم مجردی رو ترجیح می‌دهم هم از لحاظ مالی هم عاطفی و هم درک درست از زندگی مشترک به خصوص تربیت فرزند باید داشته باشم بچه پروری به جای بچه آوری و به جای فرار از مشکلات به کسی پناه بیارم خیلی سستی به حساب می‌آید".

هویت مخدوش: تغییر شکل هویت و پدیده «جهانی‌شدن» در دوران اخیر، دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می‌دهند. به عبارت روشن‌تر، حتی تغییرات وجوه بسیار خصوصی زندگی شخصی نیز مستقیماً با تماس‌های اجتماعی بسیار وسیع و پرحدامه ارتباط دارد که بحران‌هایی را در زمینه هویت ایجاد کرده است. به طوری که بخش غالب فرهنگ در محیط خانواده شکل می‌گیرد و گاه با آنچه روال جاری مدرنیته در جامعه است، در تضاد قرار می‌گیرد و فرد را دچار نوسان‌های کنشی و تناقض می‌سازد (کلانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۸). دشواری‌های مرتبط با هویت، ویژه در دوران جدید به وضوح برایشان چالش‌برانگیز شده است. مخدوش خواندن این هویت از این منظر طرح می‌شود که این برساخت جدید به علت بهره‌گیری از آبشخورهای معرفتی متعدد و متضاد مانند شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر ترجیحات و ذائقه جوانان، خدشه‌دار شدن محرمیت، کاهش دنجی و خلوت در فضاها محلی، کاهش به هم پیوستگی اجتماعی و همچنین بازتفسیر

متفاوت آنها نزد کسانی که سعی در انتشار عام این پیام‌ها را دارند و همچنین عدم جامعیت این مبانی هویتی صورت می‌گیرد.

مشارکت‌کننده (۱۵) تجربه خود را در این باره چنین بیان می‌کند:

"به چشم پسری عیاش و خوشگذران نگاه می‌کنند اما هیچ وقت نظر دیگران برام مهم نبوده. نه که هنجارشکنی کنم نه. ولی کار خودم کردم تا تونستم تصمیم خودم عملی کردم".

مسئولیت‌گریزی: جوان امروز به خاطر وجود الگوهای نامناسب و رفاه بیش از حدی که خانواده‌ها برایشان فراهم نموده‌اند، همچنین ناآگاهی فردی و اجتماعی منجر شده است که از طریق رسانه‌های رسمی و گروه‌های همسال و همسان خود تحت تأثیر قرار گرفته و به باورهای راحت‌طلبی و تنوع‌طلبی می‌رسند که منجر به گریز از مسئولیت و گرایش به زیست جهان مجردی شده است.

مشارکت‌کننده (۱) تجربه خود را این گونه بیان می‌کند:

"به هیچ وجه، من از زندگی مجردی خودم لذت می‌برم و هرگاه که بتوانم از عهدۀ یک زندگی مشتری برآیم تصمیم به ازدواج می‌گیرم ترجیح داده می‌شد که از شرایط کنونی لذت برده شود تا افسرده و گوشه‌گیر شوم".

فانتزی و ایده‌آل‌گرایی: فانتزی کوششی است برای پر کردن شکاف ناشی از پرسش با یک پاسخ فانتزی همان چارچوبی است که میل ما را هماهنگ و مختصاتش را تعیین می‌کند. در صفحه فانتزی، میل تحقق نمی‌یابد، «ارضا نمی‌شود»، بلکه بر ساخته می‌شود (توللی، ۱۳۹۳: ۴). ژرژک فانتزی را به منزله روشی برای فکر کردن به گونه‌ای که باورها و افکاری که افراد در مورد همسر آینده خود در ذهن و خیالشان ساخته‌اند، باعث شده این موارد جزو ملاک‌های اولیه ازدواج قرار داده شود. چنین ملاک‌هایی باعث می‌شود فرد فرصت‌های ازدواجش را از دست بدهد. وقتی فرد در واقعیت آنچه را در تصور خود ساخته پیدا نمی‌کند باز هم منتظر می‌شود تا فرد رؤیاهایش پیدا شود؛ و این عاملی می‌شود برای بالا رفتن سن و مجرد ماندن.

رسانه و عرف اجتماعی نیز در شکل‌گیری و بزرگ شدن آن‌ها نیز مؤثر است و می‌تواند به آن جهت‌دهی کند. فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی زیادی بوده‌اند که کاراکترهای آن تبدیل به رؤیا یا فانتزی‌های ذهنی دختران و پسران شده‌اند و حتی جنس روابط و اتفاقات داخل آن نیز تصورات ذهنی آنان را برای ازدواج و حتی بعدازآن ساخته است.

مشارکت‌کننده (۱۴) تجربه خود را در این باره چنین بیان می‌کند:

"به خاطر عشق و علاقه به یک خانم که بعد چند سال با هم بودن و تصمیم به ازدواج به جهت بیماری فوت شدن، اصلاً دیگر به ازدواج فکر نمی‌کنم".

مشارکت‌کننده دیگری (۲۰) می‌گوید:

"به خاطر مخالفت شدید پدر و مادرم با شخصی که دوستش داشتم جواب خواستگارهای دیگر رو ندادم".

کنشگری فعال سوژه در بازاندیشی بدن: کنترل بدنی و توجه به ترکیب بدن و هیئت ظاهری و بیرونی، ابزاری است که به جوانان امکان حفظ روایت مشخصی از هویت فردی را می‌دهد تا آن را در معرض دید دیگران قرار دهند. استانداردها و معیارهایی که از طریق رسانه‌ها معرفی می‌شود، تصویری ذهنی از وضعیت بدنی افراد به آنها می‌دهد. در نتیجه، ارزیابی افراد از قضاوت‌های هنجاری نسبت به وضعیت فیزیکی بدنشان، بر رضایت یا نارضایتی نسبت به آن تأثیر می‌گذارد. لذا فرهنگ بدن بیانگر اهمیتی است که بدن به عنوان کانون تعامل و بازاندیشی فرد نسبت به خودش است (ضیایپور و باقریان، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان رواج فرهنگ مصرف‌گرایی منجر به تضعیف چارچوب‌های برساننده و حفظ‌کننده وجودی و اهمیت بدن به مثابه برساننده هویت فردی جهت کسب منزلت و مقبولیت در جامعه همچنین عرضه و نمایش خود، فشار تقاضا از سوی جنس مخالف شده است که این مسئله واکنش‌های هیجانی از جمله لذت و تمایل به خودشیفتگی در جوانان را برانگیخته است.

مشارکت کننده (۷) در این باره چنین می گوید:

"یه زمانی افراد همدیگر رو واقعاً دوست داشتند تا اینکه عاشق شوند، وقتی عشقش را بیان می کند، روحیات، استعدادها، حیا و عفت، نجابت و عقلانیت آنها ستایش می شد و بعد زیبایی طرف به چشم می اومد نه مثل الان، که اندام طرف مهم تر از نجابتش و هیچ صحبتی از پاکی و نجابت و عاطفه نمیشه پس ملاک ازدواج دیگه خودنمایی بدنی هست تا شعور و نجابت شخص مدنظر؛ این طرز فکر باعث میشه خیلی از دخترها و پسرهای خوب مجرد باقی بمانند چون هیچ اطمینانی وجود ندارد که میشه با این شخص خوشبختی را حس کرد."

کالایی شدن ازدواج: مفهوم کالایی شدن احساسات به مفهومی ارجاع داده می شود که انسان ها، برای دستیابی به اهداف خود، احساسات خود را به صورت غیر واقعی با ساختارها و هنجارهای فرهنگی تنظیم می کنند.

کالا گونه شدن احساسات را زمانی می باشد که احساسات عرفی شده، به یک بازوی کمکی در حوزه کاری و مبادلات اقتصادی و یا روشی برای دستیابی به هدفی خاص در تعاملات غیر اقتصادی خصوصاً روابط عاطفی تبدیل می شوند. در این صورت ما در زیست روزمره مان با حالت ها، جملات و ژست های عمیق احساسی روبرو هستیم که صرفاً در راستای تحقق اهداف خاص و به دوراز معنای وجودی خود ایجاد شده اند و این قدر عمق پیدا کرده اند که نقابی بر عاملان خود شده اند و بر همه مناسبات حاکم بر روابط اجتماعی آنان تأثیر گذاشته اند.

پیامد چنین کالایی شدنی، انسانی خواهد بود که احساساتش به مثابه نیروی بالقوه او در کسب منزلت اجتماعی، دستیابی به روابط عاطفی و ارتقاء شغلی خواهد آورد. چنین روابط تحریف شده ای با بازنمایی چنین احساساتی، قرار است چه نیازی از طرفین رابطه را ارضا کنند. فاجعه زمانی است که به تعبیر بودریار به جز فرا واقعیت، چیزی نبینیم و نخواهیم که ببینیم. بدل شویم به انسان های سرگشته و تنها اما تشنه ارتباطات تحریف شده، انسان هایی که به واقعی نبودن این احساسات باور دارند اما همچنان آن را طلب می کنند تا شاید این فرا واقعیت بر خیال آنها منطبق شود و آرام بگیرند (آقایی، ۱۴۰۰).

به نوعی طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، استفاده از واژگان احساسی در تعاملات روزمره نشان از تبدیل شدن آنها به ابژه مصرفی دارد که از آن به کالایی شدن احساسات تعبیر می‌شود که به لحاظ مفهومی، با مفاهیمی مانند بت‌انگاری، طلسم‌انگاری و در نهایت از خودیگانگی از کارل مارکس مرتبط است. این تعابیر زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که کالاهای دست بشر به ابژه‌هایی مستقل از سازندگان آنها تبدیل می‌شوند و نه تنها دیگر محصول آفرینندگان خود نیستند، بلکه بر آنها برتری و تسلط می‌یابند.

مشارکت‌کننده (۱۴) تجربه خود را این گونه روایت می‌کند:

"الانه معیارهای ازدواج عوض شده دیگه مثل دوره زومنه گذشته نیست. زیبایی و جذابیت‌های دوطرفه، داشتن مال و منال که بتونی تو رفاه باشی و با موقعیتش جلو بقیه آشناها لاف بزنی مد شده. الان نمی‌پرسند چقد پسر خوییه، میگن تحصیلاتش چیه کارش چیه، ماشینش چیه، ازدواج مبادله کالا به کالا شده، دختر محبت میده پسرش برایش خرج میکنه".

۴. بسترهای میانی

حمایت خانواده و تربیت غیرمسئولانه: سبک‌های والدینی ماهیت روابط را بین والدین و فرزندان منعکس می‌کنند. اگر والدین به فرزند آزاد بیش از حدی داده شود این آزادی توأم با نادیده گرفتن نوجوان و طرد آن است. زیرا بیش از آنکه معتقد به رعایت حقوق دیگران باشد از قبول مسئولیت در برابر خواسته‌ها و عقاید نوجوان شانه خالی کمی کنند. این خانواده‌ها به خواسته توجه کمتری دارند و نسبت به فرزندشان احساس مسئولیت کمتری دارند. از این رو نوع شیوه فرزند پروری والدین، یکی از عوامل رفتار غیرمسئولانه نوجوان می‌باشد (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

مشارکت‌کننده (۵) می‌گوید:

"خانواده‌ام به من خیلی وابسته هستند چون تک فرزند دختر هستم و اینکه می‌گن برای ازدواج زود است".

مشارکت‌کننده دیگری (۴) می‌گوید:

"در خانواده خودم برداشتی وجود ندارد و مجرد ماندن من خیلی عادی ست اما دیگران می گویند که وقت ازدواج من رسیده و باید ازدواج کنم. این تفکرات که بابت مجرد بودن خجالت می کشیدن برای زمان های گذشته بوده الان دوره زمانه متفاوت شده. من که پدر و مادرم به نظرم احترام می گذارند و می دانند باید شرایطش پیش بیاید."

پیامدهای احساس طرد اجتماعی و مجرد گزینی

در مصاحبه ها، مردان و زنان به پیامدهای متفاوت (به خصوص زنان) در تجارب خود تأکید نمودند. بر همین مبنا، پیامدهای مجرد و احساس طرد اجتماعی مردان و زنان مشارکت کننده پژوهش حاضر نیز از هم تفکیک شده است. بیشترین پیامدها برای زنان در بعد اجتماعی و فرهنگی بود که شامل «انگ اجتماعی، احساس تنهایی و مجرد بودن به مثابه کالایی ارزان و قابل دسترس و الزام های استتار» بود. در واقع هرچند فرآیند توسعه و نوسازی و رشد شهرنشینی، سواد، آموزش، بهداشت، رسانه های همگانی و... منجر به تغییرات و تحولات گسترده ای شد. سطح آگاهی عمومی توسعه یافت. اما به موازات رندهای توسعه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت و شکاف های طبقاتی افزایش یافت.

«عشق پیش از ازدواج» به عنوان مقوله ای فرهنگی مذموم تلقی می گردید. به نوعی «زیست جهان زبان» اگرچه در دوران دیرینه بر زندگی اعصار گذشته جاری بود و منطبق بر نظام معیشت کوچروی، شکارگری، کشاورزی و روستایی بود اما امروزه با زبان معیشت گذشته گفتگو می شود و این زبان بستر بازتولید خشونت های کلامی، تهمت ها، سرزنش ها و انگ های اجتماعی است. در واقع «زیست جهان آبرو، ناموس، تعصب» خشونت را ترغیب می نمود (بهرامی، ۱۳۹۷: ۲۴۵). همین مسئله در محیط های اجتماعی و به ویژه در محیط کار منجر به الزام هایی می شود که دختران مجرد، به دلیل نگرانی از دست دادن اعتبار و ترس از مجادله ها از برخورد و مواجهه مستقیم و بیان تجارب ناخوشایند اغماض نمایند و با مخفی کردن مواردی از این دست سعی بر کتمان مسائل و تجارب مذکور دارند.

طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان در اغلب موارد زنان و دختران از ترس آبرو و با فرض اینکه هیچ راه قانونی برای اثبات حقانیت آنها و خشونت فرد مقابل وجود ندارد و اگر هم باشد زمان‌بر بوده و امکان اثبات آن سخت است، به جای تلاش برای پیگیری حقوق خود، اقدام به آسیب زدن به جسم‌شان و یا پنهان‌کاری می‌کنند.

مشارکت‌کننده (۱۰) چنین روایت می‌کند:

"وقتی اطرافیانم متوجه می‌شوند که مجردم به کنایه حرف‌هایی می‌زنند به همین دلیل احساس بدی از مجرد ماندنم به من دست می‌دهد بعضی اوقات حتی به همین دلیل مجبورم انگشتی دستم می‌کنم که کسی متوجه نشه مجردم و کاری باهام نداشته باشند چون به دید دختری که سن ازدواجش رسیده ولی ازدواج نکرده، نکنه مشکلی داره که ازدواج نمی‌کنه".

تجربه مردان شرکت‌کننده نشان داد که در بحث پیامدهای مجرد و احساس طرد اجتماعی نیز تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که این تفاوت‌ها را در شرکت‌کنندگان به وجود آورد، این بود که زنان بیشتر مشکلات و ناراحتی‌هایشان را بروز می‌دهند، اما مردان در این امر خوددارتر بودند و به دلیل کلیشه‌های جنسیتی و باورهای مرتبط با قدرت مردانه، به راحتی از مسائل و مشکلات خود حرف نمی‌زنند. از تجربیات برخلاف بستر اجتماعی- فرهنگی، پیامدهای این مسئله برای مردان در بستر شخصی مانند (عدم اطمینان، مهم نبودن ازدواج، بالا رفتن آستانه تحمل، تنها زندگی کردن، مهم نبودن حرف دیگران) می‌باشد.

مشارکت‌کننده (۱۳) در این باره می‌گوید:

"مهم نیست که دیگران چه می‌گن، من کار خودمو می‌کنم و هر وقت به این نتیجه برسم که میتونم شرایط ازدواج را دارم ازدواج می‌کنم نه اینکه بخوانم هنجارشکنی کنم نه. اما نظر خودم مهم‌تر از هر چیز دیگه ای هست".

پس از انجام فاز کیفی و شناسایی و استخراج درون‌مایه‌های مجرد‌گزینی و احساس طرد اجتماعی، پرسش‌نامه احساس طرد اجتماعی طراحی شد. فرآیند کار به این

صورت بود که بر اساس وزن هر مقوله، تعدادی گویه از ۴-۶ گویه برای هر مقوله طراحی شد. ابزار طراحی شده دارای گزینه‌های کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم و روش نمره‌گذاری پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت بوده است. برای هر گویه پنج گزینه منظور شد که بار ارزشی آن‌ها به ترتیب کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱ بود.

در نهایت فرضیه‌های تحقیق بدین صورت تدوین شد؛

۱. بین شرایط کژقواره و احساس طرد اجتماعی ادراک‌شده رابطه وجود دارد.
۲. بین حمایت اجتماعی و احساس طرد اجتماعی ادراک‌شده رابطه وجود دارد.
۳. بین دال‌های نهادینه‌شده (باورهای قومی و سنتی) و احساس طرد اجتماعی ادراک‌شده رابطه وجود دارد.
۴. بین ابژه‌های حقارت (داغ‌ننگ) و احساس طرد اجتماعی ادراک‌شده رابطه وجود دارد.
۵. بین کنشگری فعال سوژه در بازانديشي بدن (خود اظهاری در فضای مجازی) و احساس طرد اجتماعی ادراک‌شده رابطه وجود دارد.
۶. بین هویت مخدوش و احساس طرد اجتماعی ادراک‌شده رابطه وجود دارد.

جدول ۴- میزان آلفای شاخص‌های تحقیق

ضریب آلفا	نام متغیر
۰/۷۳	احساس طرد اجتماعی
۰/۷۵	شرایط کژقواره
۰/۸۱	حمایت اجتماعی
۰/۷۲	ابژه‌های حقارت
۰/۷۴	دال‌های نهادینه‌شده
۰/۷۵	کنشگری سوژه در بازانديشي بدن
۰/۷۳	هویت مخدوش
۰/۹۲	ابزار کل

ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها بین ۰/۸۱-۰/۷۳ بود ضرایب آلفای کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۲ بود که نشان از اعتبار خوب پرسش‌نامه است. پیش از بررسی فرضیه‌ها و روابط بین متغیرها لازم است که تصویری کلی از جمعیت نمونه ارائه شود. چنان‌که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، دامنه سنی در گروه نمونه، بین ۳۰ تا ۴۳ سال می‌باشد. میانگین سنی پاسخگویان ۳۴/۱۵ می‌باشد. تعداد مشاهدات ۱۲۰ نفر بوده است. ۰/۸ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی و ۲/۳ درصد دارای تحصیلات راهنمایی می‌باشند. ۳۰/۸ درصد از پاسخگویان دیپلم داشته و ۲۰/۸ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم بوده‌اند. ۴۵/۴ درصد که بیشترین فراوانی را نیز به خود اختصاص داده است دارای مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس بوده‌اند.

جدول ۵- توزیع فراوانی سن و تحصیلات پاسخگویان

سن	فراوانی	تحصیلات	فراوانی	درصد
میانگین	۳۴/۱۵	ابتدایی	۱	۰/۸
انحراف معیار	۴/۳۲	راهنمایی	۳	۲/۳
واریانس	۱۸/۷۴	دیپلم	۳۵	۳۰/۸
حداقل	۳۰	فوق‌دیپلم	۲۷	۲۰/۸
حداکثر	۴۳	لیسانس	۵۴	۴۵/۴

نتایج همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مطرح شده است. ستون اول مربوط به همبستگی متغیر وابسته با تمامی متغیرهای مستقل است. ضریب همبستگی میان شرایط کژقواره با احساس طرد اجتماعی ($r= ۰/۲۷۸, p<۰/۰۰۹$)، حمایت اجتماعی ($r= -۰/۳۲۱, p<۰/۰۰۱$) نتایج به دست آمده نشان داد که بین میزان شرایط کژقواره و حمایت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به منفی بودن ضریب مشخص می‌شود که هرچه شرایط کژقواره و حمایت اجتماعی بالاتر باشد، احساس طرد اجتماعی کمتر است. بنابراین، طبق فرضیه اول و دوم، می‌توان گفت رابطه معناداری میان دو متغیر شرایط کژقواره و حمایت اجتماعی با احساس طرد اجتماعی

وجود دارد و هرچه فرد موقعیت بهتری به لحاظ شرایط زندگی و ادراک حمایت اجتماعی داشته باشد، احتمال طرد اجتماعی او کمتر است.

همچنین بر طبق نتایج به دست آمده، دال‌های پذیرفته شده ($t=0/375$, $p<0/001$)، ابژه‌های حقارت ($t=0/172$, $p<0/041$)، کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن ($p<0/26$)، $t=0/219$ و هویت مخدوش ($t=0/319$, $p<0/002$) نشان می‌دهد، هرچه دال‌های نهادینه شده، ابژه‌های حقارت، کنشگری و خود اظهاری (ضعف روابط اجتماعی با افرادی خارج از دایره خانواده و خویشاوندان و بازاندیشی بدن در فضای مجازی) و هویت مخدوش بیشتر، طرد اجتماعی ادراک شده بیشتر خواهد بود. بنابراین، فرضیه سوم تا ششم، مبنی بر وجود رابطه بین دال‌های پذیرفته شده، ابژه‌های حقارت و ... و طرد اجتماعی ادراک شده تأیید می‌شود.

جدول ۶- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
شرایط کژقواره	۰/۲۷۸	۰/۰۰۹
حمایت اجتماعی	-۰/۳۲۱	۰/۰۰۱
دال‌های نهادینه شده	۰/۳۷۵	۰/۰۰۱
کنشگری فعال سوژه در بازاندیشی بدن	۰/۱۷۲	۰/۰۴۱
ابژه‌های حقارت (داغ ننگ)	۰/۲۱۹	۰/۰۲۶
هویت مخدوش	۰/۳۱۹	۰/۰۰۲

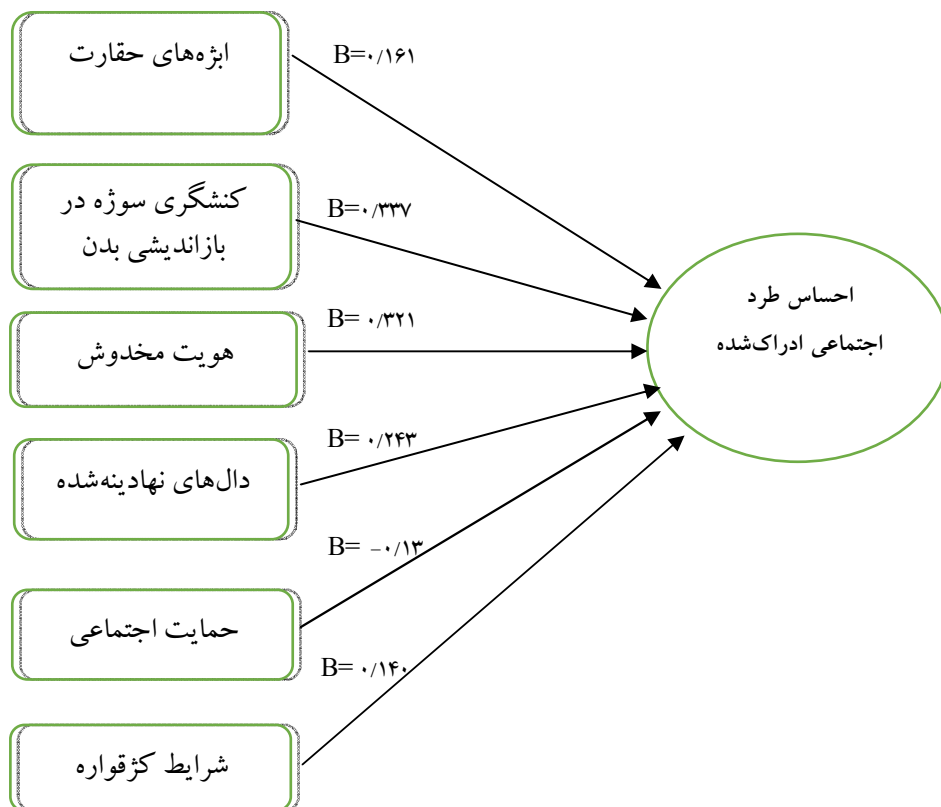
با توجه به اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها (مرحله کیفی پژوهش) و همچنین بررسی ادبیات پژوهش، شاخص‌های اصلی به دست آمده به منظور طراحی یک مدل مفهومی در حوزه احساس طرد اجتماعی استفاده شد. این مدل به روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار SPSS آزمون شد. برون داد این مدل در نمودار شماره ۱ ارائه شده است. جهت

تعیین همبستگی مدل ارائه شده شامل رابطه متغیر وابسته طرد اجتماعی با کار با متغیرهای مستقل (شرایط کزقواره، حمایت اجتماعی، دال‌های نهادینه شده (باورهای قومی و سنتی)، ابژه‌های حقارت، کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن (خود اظهاری در فضای مجازی) و هویت مخدوش) از مقادیر Beta استفاده شده است.

جدول ۷- بررسی تفکیکی معناداری ضرایب پیش‌بینی متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر ملاک

سطح معنی داری	T	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		متغیر
			خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۵	۲/۸۸	۰/۱۴۰	۰/۱۲۵	۰/۳۴	شرایط کزقواره
۰/۰۰۰	۵/۹۳	-۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۱۱۱	حمایت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳/۵۷۵	۰/۲۴۳	۰/۰۷۲	۰/۲۵۶	دال‌های نهادینه شده (باورهای قومی و سنتی)
۰/۰۱۸	۲/۳۹۵	۰/۱۶۱	۰/۱۵۸	۰/۳۷۹	ابژه‌های حقارت
۰/۰۰۰	۳/۵۶۱	۰/۲۳۷	۰/۱۰۹	۰/۳۸۷	کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن (خود اظهاری در فضای مجازی)
۰/۰۰۰	۵/۹۲	۰/۳۲۱	۰/۰۸۲	۰/۴۷	هویت مخدوش

جهت تعیین روابط علی بین متغیرهای تحقیق و آزمون فرآیند نظری مطابق مدل پیشنهادی نمودار (۱) از ضرایب استاندارد شده رگرسیون استفاده نمودیم.



نمودار ۱- تحلیل مسیر رابطه متغیرهای مستقل با طرد اجتماعی ادراک شده

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش ترکیبی حاضر در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد و نتایج مرحله کیفی به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کمی منجر شد. در مرحله کیفی پژوهش ۲۰ جوان (۷ دختر و ۱۳ پسر) با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته مطالعه شدند و تحلیل و کدگذاری داده‌ها به استخراج ۱۴ مضمون اصلی و ۲۱۵ زیر مضمون منجر شد. مضمون‌های به‌دست‌آمده دربردارنده بود.

در جامعه امروزه، ازدواج مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اجتماعی محسوب می‌شود و افرادی که از این هنجار تبعیت نکنند، به‌شدت تحت تأثیر نهادهای غیررسمی جامعه طرد می‌شوند. پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک تخیل خلاق پدیدارشناسی نتایج مصاحبه‌ها در ارتباط با بسترها در یک طبقه‌بندی کلی تقسیم می‌شوند:

- بسترهای کلان: شامل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که زمینه‌ساز تجرد و ادراک انزوای اجتماعی می‌شود. در تحقیق حاضر زیربسترهای مهیا نبودن زیرساخت‌ها و عاملیت منفعل، دال‌های پذیرفته‌شده، الزام‌های استتار و تغییرات اجتماعی» در داخل بسترهای کلان جای گرفت.

- بسترهای میانی: منظور از این بستر، عواملی است که با هم در تعامل می‌باشند و نقش پررنگ‌تری از بسترهای دیگر دارند؛ چرا که با بسترهای دیگر در تعامل قرار می‌گیرند و نقش واسطه‌ای برای ایجاد بسترهای دیگر ایفا می‌کنند و تعامل عوامل اجتماعی و فردی ساخته می‌شوند. زیربسترهای «شرایط کژقواره، دیدن خاطرات تلخ دیگران، باورها و عقاید کلیشه‌ای (ابژه‌های حقارت)، هویت مخدوش، مسئولیت‌گریزی، کالایی شدن ازدواج، کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن فعال» درون این بستر قرار می‌گیرد.

- بسترهای خرد: منظور از بسترهای خرد عوامل مرتبط به خود شخص یا فرد هستند که زمینه‌ساز تجرد و ادراک طرد اجتماعی می‌شوند و دربردارنده زیر مضمون فانتزی از دست رفته، سیالیت روابط، الزامی ندانستن امر ازدواج بود.

به نوعی نتایج بخش کیفی پژوهش حاکی از فرآیند چرخشی بودن بسترهای تجرد و احساس طرد اجتماعی می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه امروزه رسانه‌ای شدن زندگی جوانان مجرد، به ویژه فعالیت در فضای مجازی، نوع خاصی از کنشگر، جوان مجرد می‌سازد؛ فضایی که هم می‌توان در آن گمنام بود و هم خود را معرفی کرد و این تنها ناشی از عدم حمایت اجتماعی از سمت خانواده و جامعه می‌باشد.

مجردی که با امیالی سرریز شده در پی ایجاد نیازهای جدید و مصرف نیازها به اشکال متفاوت است؛ نیازهایی که فرد به تنهایی در خلق آن نقشی ندارد؛ بلکه با کمی تأمل و تحلیل می‌توان به نقش رسانه در اشاعه جهانی ارزش‌های نوین و فردگرایانه، فرهنگ جمع زدا و خانواده زدا، تداعی فرم زندگی جدید و مواجهه‌های تمام‌عیار با خانواده پی بُرد. گروهی از جوانان مجرد در بستر این شکل جدید زندگی در حال نوعی بازیافت فرهنگی هستند. این یافته همسو با نظریه دیکسون (۱۹۷۱) مبنی بر، زمانی که فشار اجتماعی جوانان را مجبور می‌کند تا برای ازدواج درآمد و مسکن داشته باشند، جوانان تصمیم می‌گیرند که ازدواج خود را به تعویق بیندازند. همچنین بر اساس دیدگاه مایر و وینشپ (۱۹۹۱) شرایط اقتصادی و اجتماعی تأثیر بارزی بر تأخیر ازدواج جوانان دارد و طبق نظریه اجتناب از خطر، در شرایط بیکاری افراد از ازدواج اجتناب ورزیده و در نتیجه شاهد افزایش سن ازدواج و تأخیر در ازدواج هستیم (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

یافته‌های کیفی پژوهش حاضر در ارتباط با بسترهای طرد اجتماعی، همسو با یافته‌های بررسی فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۵) است. به طوری که در جامعه مذکور نیز دختران طرد از شبکه‌های درون گروهی و برون گروهی، طرد از مشارکت اجتماعی، شرمساری اجتماعی، شرم حضور در جمع و مشاهده رفتارهای طعنه‌آمیز یا طرد کننده را تجربه می‌کنند. اما طرد ناشی از بی‌خانمانی یا بدخانمانی و طرد ناشی از حمایت نهادی که در بررسی فیروزآبادی و صادقی در بین زنان سرپرست خانوار مشاهده گردید در جامعه مورد بررسی ملاحظه نگردید که دلیل آن، تجربه نکردن بی‌خانمانی یا بی‌خانمانی در بین دختران مذکور است. در ضمن، حمایت نهادی از دختران مجرد واقع در سنین بالا در کشور وجود

ندارد. به عقیده بودریار، اغوا ساز اجتماعی - فرهنگی هستند که شرایط اقشار جامعه را تعیین می کنند.

در مرحله کمی پژوهش نیز بر اساس یافته‌های بخش کیفی، نتایج نشان می دهد که بین دال‌های پذیرفته شده که منظور باورهای قومی و عقاید سنتی رایج در جامعه و احساس طرد اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد. جهت سنجش صحت این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شده است. مطابق با نتایج بدست آمده رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. این یافته همسو با نظریه امیل دورکیم در خصوص گسست همبستگی و سلب صلاحیت و در نهایت طرد اجتماعی می باشد. بدون شک حمایت اجتماعی خانواده و عضویت در گروه‌هایی که فرد را تأیید می کنند

یکی از مهم ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که می تواند داغ ننگ معطوف به فرد را به میزان چشمگیری کاهش و تأثیر زیادی در داغ ننگ ادراک شده از جانب جامعه دارد. نتایج پژوهش های هیل (۲۰۱۹)، گیست^۱ (۲۰۱۷)، پاچمن^۲ (۲۰۱۳) و نظریه سیلور^۳، گیلگیان^۴، گیدنز و بوردیو مبنی بر ارتباط بافت اجتماعی - فرهنگی گروه و احساس تنهایی همچنین ترحم و سازش و ترس از هویت (داغ ننگ) مؤید این یافته است.

از دیگر پیشران‌های مهم بر احساس طرد اجتماعی اثر کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن معنادار شده و این نشان دهنده اهمیت کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن در فضای مجازی به جهت احساس تنهایی که همان احساس ناخوشایندی مبتنی بر طرد و فقدان است. به نوعی هرچه تصور دختران مجرد از احساس طرد ناشی از مجرد ماندن بیشتر باشد، احساس طرد اجتماعی بیشتر است. این یافته مؤید نظریه گیدنز و دیاز مبنی بر استفاده از شبکه‌های همگانی مجازی و خود افشاگری جهت یافتن گزینه مناسب برای ازدواج می باشد. به عقیده والتزلانو (۲۰۲۰) و آپستولو (۲۰۲۰) خود افشاگری در شبکه اجتماعی بازتاب ناکامی افراد است.

-
1. gist
 2. pachman
 3. silver
 4. Gilligan

یکی از فرض‌های دیگر پژوهش حاضر این بود که فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها در صورتی که در جامعه و در ذهنیت افراد ساکن در آن ریشه بدواند و تعبیه شود، مدت‌های زیادی به حیات خود ادامه می‌دهد و به روش زندگی، فرصت‌ها و کنش‌ها شکل می‌بخشد.

یافته‌های پژوهش حاضر، تأییدگر این فرض است و فرضیه پژوهش را در رابطه ابژه‌های حقارت (داغ‌ننگ) و احساس طرد اجتماعی حمایت می‌کند. به عبارت دیگر، با تقویت باورداشت‌ها طرد اجتماعی افزایش یافته و با تضعیف عقاید و باورداشت‌ها در ارتباط با ازدواج دختران طرد اجتماعی کاهش می‌یابد. این یافته همسو با نظریه انزوای اجتماعی گیلیگان مبنی بر جنس مؤنث عاطفی‌تر و به لحاظ روحی ترحم و سازش‌پذیری بیشتری دارد احساس تنهایی را بیشتر حس خواهد نمود و تأثیرپذیری او از احساس طرد شدن و داغ‌ننگ ناشی از هویت مجرد بودن را نوعی شکست و داغ‌ننگ به حساب می‌آورد.

مفروض اساسی دیگر تحقیق حاضر این بود که ابژه‌های حقارت را می‌توان با مسئله داغ‌ننگ گافمن تبیین نمود. هر جامعه‌ای دارای ارزش‌ها و ملاک‌هایی برای ارزیابی افراد داشته باشد مورد بدنامی واقع خواهد شد. اهمیت پسران در خانواده‌ها، و تخصیص امکانات و آزادی بیشتر به پسران همسو با نظریه بلوم بگ^۱ مبنی بر نابرابری جنسیتی (رفتار یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه بندی آنان می‌پردازد) در سطح روابط و اجتماعات محلی وجود دارد همخوانی دارد. این یافته با پژوهش‌های زارع، پاچمن (۲۰۱۳)، آپوستولو (۲۰۱۷) مبنی بر رابطه شخصیت اجتماعی- روانی با طرد اجتماعی همخوانی دارد.

به عقیده بوردیو، افشای سازوکارهای طرد آمیز و پنهانی سلطه نشان می‌دهد که چگونه ساختارها، نهادها روابط اجتماعی تفاوت‌ها و به بیان دقیق‌تر امتیازات اجتماعی را به نفع گروه‌های فرادست بازتولید می‌کنند و فرودستان را از دستیابی به

1. Bloom Beg

موقعیت‌ها و فرصت‌های بهتر محروم می‌سازد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). چاره‌اندیشی برای داغ‌ننگ محصول چیزی است که ریشه در جامعه دارد؛ یعنی کلیشه‌سازی یا ترسیم توقعات هنجاری ما در مورد رفتار و شخصیت (همان، ۷۷). بنابراین، فرد داغ‌خورده خود را در معرکه‌هایی از بحث و مشاجره درمی‌یابد که به اندیشه او درباره خودش مربوط است (همان، ۱۶۴).

بر این مبنا، جنسیت تمام عرصه اجتماعی روابط زن و مرد را در برمی‌گیرد و بدان معنا می‌بخشد. یافته‌های این مطالعه مؤید ادبیات نظری و تجربی مرتبط با طرد به میانجی جنسیت است. از دیدگاه آماریاسن، جنسیت یکی از عوامل طرد و کنارگذاشتن افراد از محیط‌های مختلف است. بر مبنای نتایج پژوهش، منش زنان اساساً بر مبنای الگوهای جامعه‌پذیری سنتی شکل گرفته و پیامد آن سازش با وضع موجود بوده است. در منش زنان تمایل به قناعت و سازگاری و صبوری و... دیده می‌شود و با وجود تغییرات اجتماعی و اقتصادی، هم‌چنان مادری، همسری و خانه‌داری با زنان تداعی می‌شود. بورديو در کتاب سلطه مردانه، بر این باور است که زنان وسیله‌ای هستند که مردان به وسیله آنها سرمایه نمادین خود را افزایش داده یا به نوع دیگری سرمایه تبدیل می‌کنند.

طبق نظر مصاحبه‌شوندگان شرایط کژقواره بیش‌ترین تأثیر را بر احساس طرد اجتماعی داشته و با سابقه پژوهشی هماهنگ است. به عبارتی انسان‌ها به دلیل ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی و غریزی دلشان می‌خواهد تشکیل خانواده بدهند و از زندگی کنار همسرشان لذت ببرند؛ این‌طور نیست که بگوییم جوانان ما تمایلی به ازدواج ندارند. اما وقتی به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم چرا آن‌ها از ازدواج گریزان‌اند و نگرانی از افزایش آدم‌های تنها و افسرده و جای خالی قوانین کارآمد بیشتر درک می‌شود.

این مسئله تأییدکننده نتایج پژوهش فیروزآبادی، گيست (۲۰۱۷)، ماهاراج (۲۰۲۰) مبنی بر شرایط کژقواره جوانان امروز یکی از پراهمیت‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تجرد و احساس طرد اجتماعی در سنین بالا است.

در نهایت بر اساس یافته‌های بدست آمده، بی‌تفاوتی در جامعه نسبت به ازدواج جوانان نوعی بیماری اجتماعی است که دود آن به چشم همگان خواهد رفت. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی جامعه، نمی‌توان دختران یا پسران را مجبور کرد که در هر شرایطی تن به ازدواج بدهند. بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود؛

- طبق صحبت مصاحبه شونده‌گان یکی از بسترهای مؤثر بر احساس طرد اجتماعی و مجرد گزینی، عدم حمایت اجتماعی و تربیت مسئولانه می‌باشد. پیشنهاد اقدامات عملی و حمایتی سازمان‌های متولی، در راستای ترغیب و تشویق جوانان به ازدواج می‌باشد. چرا که هیچ دختر یا پسری نیست که تمایل به ازدواج و آرامش در کنار همسر نداشته باشد اما نبود یک چشم‌انداز روشن برای بسیاری از پسران و دختران در زندگی مشترک است که سبب می‌شود گروهی از جوانان از ازدواج ترس داشته باشند. بنابراین مددکاری اجتماعی، حلقه گمشده بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و غیردولتی کشور است که نیازمند توجه بیشتر به این رشته و به کارگیری مددکاران در سازمان‌های مختلف معطوف باشد.

- همچنین مددکار اجتماعی می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به ویژه در کسانی که در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند نقش محوری از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی، افزایش آگاهی والدین و معلمان و مربیان، شیوع شناسی آسیب‌های اجتماعی، برقراری ارتباط در سه سطح: بین مدرسه و خانواده، بین مدرسه، خانواده و منابع اجتماعی و بین خانواده و منابع اجتماعی همچنین کمک به مشاور مدرسه برای تحلیل وضعیت اجتماعی دانش آموزان و به کارگیری منابع اجتماعی داشته باشد.

- طبق یافته‌های پژوهش، کنشگری سوژه در بازاندیشی بدن یکی دیگر از پیامدهای احساس طرد اجتماعی مطرح شده است. پیشنهاد می‌شود، مددکاران اجتماعی برخی مهارت‌های مقابله‌ای مهم را به جوانان به واسطه کمک به افراد برای درک ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خویش کمک به فرد برای درک انگیزه‌ها و موفقیت‌های خویش کمک به فرد برای درست اندیشیدن در مورد مشکلاتش و درک واقعیت‌ها آموزش می‌دهد. این مهارت‌ها آنان را قادر می‌سازند تا به نحو مطلوب با اضطراب موجود کنار آیند.


- طبق یافته‌های پژوهش شرایط کژقواره از بسترهای مجرد گزینی می‌باشد که علل طبیعی و اقتصادی و اجتماعی دارد و نباید به مجرد فقط به عنوان یک آسیب اجتماعی نگاه کرد بلکه اقدامات تسهیل‌گرانه ازدواج باید انجام شود و با مطالعه دقیق در خصوص علل مجرد در میان جوانان، موانع ازدواج و تشکیل زندگی برداشته شود. بدین جهت نیاز است که در سطح کلان و در خود وزارتخانه، پستی تحت عنوان کارشناسی مددکاری وجود داشته باشد. به عبارتی طرح نماد که مسئولیت تدوین بسته مددکاری آن را به پزشک داده‌اند، تفکری محکوم به شکست است.

- وزارت آموزش و پرورش هنوز جایگاه مشخص و درخور شأنی برای مددکاری در نظر نگرفته است با در نظر گرفتن چنین جایگاهی مسلماً قدم‌های ثمربخشی در جهت ارتقای امنیت اجتماعی خواهیم برداشت.

- جهت مدیریت هویت مخدوش جوانان، باید توانمندسازی که از کلیدواژه‌های اصلی و مهم در مددکاری است مورد توجه قرار گیرد. این موضوع اقدامی جدی در تربیت مددکاران بر اساس ماهیت جدید مشکلات در جوامع امروزی به خصوص ایران می‌طلبد.

ORCID

Marziyeh shahryari  <http://orcid.org/0000-0003-2819-7653>

Karim rezadoost  <http://orcid.org/0000-0003-2511-9377>

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت.
- بهرامی، اردشیر. (۱۳۹۷)، فرهنگ، توسعه و خودکشی در غرب ایران، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- توللی، کرامت. (۱۳۹۳)، مبانی روانکاوی فروید، لاکان، تهران: نشر نی.
- حوزه رفاه و تعاون گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۴۰۰)، تغییر ذائقه جوانان، کد خبر ۷۸۳۴۴۵۲، ساعت ورود محقق ۲۵:۲؛ ۱۴۰۰/۱۱/۵.
- حیاتی، حمید. (۱۳۸۹)، بینامتنیت، مهیانبودن زیرساخت‌ها: بخش دوم، ساعت ورود محقق ۱۰:۲۳ مورخ ۰۰/۱۱/۱۶، philosophers.atspace.com/binamatniat3.
- زارع، بیژن؛ سراج زاده، سید حسین؛ حبیب پور گنابی، کرم و مداحی، جواد. (۱۳۹۹)، «زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی- فرهنگی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲: ۹۷-۱۲۳.
- قانع عزآبادی، فرزانه؛ کیانپور، مسعود و قاسمی، وحید. (۱۳۹۲)، «تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ ننگ ناشی از مجرد»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲: ۳۰۵-۳۳۱.
- قادر زاده، امید و خلقی، میترا. (۱۳۹۷)، «زنان و تجربه طرد اجتماعی (مطالعه کیفی زنان خانه‌دار شهر سنندج)»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی، شماره ۱۶، دوره ۱: ۴۲-۷.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران: انتشارات صبح صادق.
- فیروزآبادی، احمد و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۴)، طرد اجتماعی (رویکردی جامعه‌شناختی به محرومیت)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فیروزآبادی، احمد و صادقی، علیرضا. (۱۳۸۹)، «وضعیت طرد اجتماعی زنان در مناطق فقیر روستایی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱، دوره ۱: ۱۷۴-۱۴۳.
- صادقی، رسول و شکفته گوهری، محمد. (۱۳۹۵)، «مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران»، برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰: ۱۴۲-۱۷۵.

- عباس زاده، محمد و نیکدل، نرمین. (۱۳۹۵)، «مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۴: ۵۱۶-۴۹۳.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۳)، «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، شماره ۳: ۱۲۴-۱۰۳.
- هدایتی، بنت الهدی؛ فاتحی، مریم سادات؛ آکوچکیان، احمد؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۷)، «شیوه‌های فرزند پروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان»، معرفت، شماره ۱۳۰.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، سن ازدواج در ایران، ۷۱۰۶۷۹، پایگاه خبری و اطلاع‌رسانی رکنا
www.rokna.net

- Apostolou, M. (2017). *Why People Stay Single: An Evolutionary Perspective*. *Personality and Individual Differences*, 111, 263-271.
- Apostolou- Matogian- Koskeridou- Shialos, Georgiadou. (2019). The Price of Singlehood: Assessing the Impact of Involuntary Singlehood on Emotions and Life Satisfaction. *Evolutionary Psychological Science*, 5(4), 416- 425.
- Atkinson, AB. (1998). *Social exclusion, poverty and unemployment*. CASE paper.
- Baumeister- DeWall – Ciarocco, Twenge. (2005). Social exclusion impairs self-regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88(4): 589–604. Pmid: 15796662.
- Béland, D. (2007). The social exclusion discourse: ideas and policy change. *Policy Polit*. 35:123–139. Google Scholar
- Billette, V, and Lavoie, JP. (2010). Introduction. Vieillissements, exclusions sociales et solidarités. In: Charpentier MN, Billette V, Lavoie JP, Grenier A, Olazabal I (eds) *Vieillir au Pluriel. Perspectives Sociales*, Presses de l'Université du Québec, Québec, pp 1–22.
- Chen- Du J, Xiang- Zhang, Zhang. (2017). *Social exclusion leads to attentional bias to emotional social information: Evidence from eye movement*. PLoS ONE. 12 (10): e0186313. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0186313>
- Diaz, L, and Ekman, U. (2011). Introduction to Mobile ubiquity in public and private spaces. *J Digital Creativity*. 22(3): 127–133.
- De Haan, A. (1998). Social exclusion: an alternative concept for the study of deprivation. *Ids Bull-I Dev Stud*. 1998; 29:10–19. Google Scholar

- Pushmana, p. (2013). Access to marriage and reproduction among migrants in Antwerp and Stockholm. *A longitudinal approach to processes of social inclusion and exclusion, the history of family*, 19: 65.
- Hill, M. E. (2020). You Can Have It All, Just Not at the Same Time: Why Doctoral Students are Actively Choosing Singlehood. *Gender Issues*, 1-25.
- Hitti-Mulvey, Killen. (2011). Social exclusion and culture: The role of group norms, group identity and fairness. *Anales de psicología*, 27(3), 587-599.
- Walsh-Scharf, Keating. (2016). Social exclusion of older persons: a scoping review and conceptual framework. *European journal of ageing*, 14(1), 81–98. <https://doi.org/10.1007/s10433-016-0398-8>
- West- Lewis, Currie. (2009). Students' Facebook Friends: Public and Private Spheres. *Youth Studies*, 12(6): 615-627.
- Williams - Forgas, Von Hippel. (2005). (Eds.) the social outcast: Ostracism, social exclusion. *rejection, and bullying*. Psychology Press.
- Liu- Zhang- Yang - Yu. (2020). Gender differences in the influence of social isolation and loneliness on depressive symptoms in college students. *a longitudinal study*, 55 (2): 251-257, doi: 10.1007/s00127-019-01726-6.
- Leary, M. R. (1990). Responses to social exclusion: Social anxiety, jealousy, loneliness, depression, and low self-esteem. *Journal of Social and Clinical Psychology*. 9(2): 221–229.
- Levitas – Pantazis, Fahmy. (2007). *The multi-dimensional analysis of social exclusion*. London: Cabinet Office. Google Scholar
- Kleinman, A. and Hall Clifford, R. (2016). Stigma: A social, cultural, and moral process. *Epidemiology and community health*, 63(6): 1-5.
- wright - Naar-King -Lam –Templin, Frey. (2007). Stigma scale revised: reliability and validity of a brief measure of stigma for HIV+ youth. See comment in PubMed Commons below. *J Adolescent Health*; 40 (1):96-98.
- Maharaj, P., and Shangase, T. (2020). Reasons for Delaying Marriage: Attitudes of Young, Educated Women in South Africa. *Journal of Comparative Family Studies*, 51(1), 3-17.
- MacDonald G., and Leary, M. (2005). RWhy does social exclusion hurt? The relationship between social and physical pain. *Psychological Bulletin*. 131(2): 202–2238. Pmid: 15740417.
- Maner- DeWall- Baumeister, Schaller. (2007). Does social exclusion motivate interpersonal reconnection? Resolving the porcupine problem. *Journal of Personality and Social Psychology*. 92(1): 42–55. Pmid: 17201541.
- Mendes - Major - McCoy, Blascovich. (2008). What attributional ambiguity shapes physiological and emotional responses to social rejection and

acceptance. *Journal of Personality and Social Psychology*. 94(2): 278–291. Pmid: 18211177.

- Valenzuela- Park, Kee. (2009). Is there social capital in a social network site? Facebook use and college students' life satisfaction, trust, and participation. *Journal of computer-mediated communication*, 14(4), 875-901.
- Scharf, T. (2015). Between inclusion and exclusion in later life. In: Walsh K, Carney G, Ni Léime Á, editors. Ageing through austerity: critical perspectives from Ireland. *Bristol: Policy, Press*; 113–130. Google Scholar

استناد به این مقاله: شهریار، مرضیه و رضادوست، کریم. (۱۴۰۱). مطالعه درک و تصور جوانان از احساس طرد اجتماعی و تجردگزینی، ۹ (۳۳)، ۴۱-۸۶.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.